

خوشید امامت و ولایت

تالیف

مهدی کامران

انتشارات مبعث

خورشید امامت و ولایت

مشمول بر دو بحث کوتاه درباره وجود مقدس امام
عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اول اثبات وجود مبارک آن حضرت
دوم علل غیبت وجود مبارک آن حضرت

تاریخ تألیف ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ هجری قمری
تاریخ تجدید نظر خرداد ۱۳۶۹ هجری شمسی

از: مهدی کامران

۱ - مطابق با ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ شمسی توضیح آنکه استفاده از تاریخ فوق بجهت
مخالفت با تاریخ رسمی شاهنشاهی نظام طاغوت بوده است.

شناسنامه کتاب

نام کتاب : خورشید امامت و ولایت

مؤلف : مهدی کامران

چاپخانه : نهضت قم - ۷۴۲۱۱۶

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ : پاییز ۷۵

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

فهرست موضوعات

صفحه	موضوع
۵	مقدمه قسمت اول
۹	تذکر و پوزش با یک شعر
۱۲	لزوم مصلح برای جهان
۱۵	بشارت‌های گذشتگان راجع به مصلح آسمانی
۱۷	همه در انتظار مصلح آسمانی بسر می‌برند
۱۸	مصلح حقیقی کیست
۲۰	خصوصیات مصلح حقیقی
۲۱	دو شاهد از قرآن کریم راجع به نیروی عظیم مصلح اسلام
۲۶	سه شاهد از روایات اسلامی در این مورد
۲۹	مصلح از دیدگاه اسلام
۳۰	شواهدی از اخبار و روایات اسلامی
۴۳	گفتار دانشمندان عامه درباره حضرت مهدی (عج)
۴۶	مصلح نماها
۴۷	نیمه شیعیان میلاد مصلح حقیقی
۴۹	شواهدی راجع به میلاد مصلح
۵۱	انتظار مصلح
۵۲	چند شاهد راجع به غیبت مصلح آسمانی
۵۵	احادیث راجع به فضیلت انتظار
۵۷	هشدار به انسان منتظر
۶۱	قصیده‌ای در قیام شکوهمند امام عصر (عج)

صفحه	موضوع
۶۳	مقدمه قسمت دوم
۶۴	وجود امام برای جهان لازم است
۶۷	معنی لغوی غیبت
۶۹	چگونگی غیبت امام زمان (عج)
۷۲	اصالت غیبت امام عصر (عج)
۷۵	سه شاهد قرآنی راجع به غیبت امام زمان (عج)
۷۷	گفتار معصومین راجع به غیبت امام
۸۱	غیبت بی سابقه نیست
۸۴	توضیحی بر فلسفه غیبت امام عصر (عج)
۸۵	مقدمه اول
۸۶	مقدمه دوم
۹۲	علل غیبت
۹۲	۱ - مجازات و بیداری
۹۴	۲ - اصلاح نفوس انسانها
۹۸	۳ - امتحان و آزمایش
۱۰۲	۴ - قبول نکردن بیعت ستمکاران
۱۰۴	۵ - آماده نبودن جهان
۱۰۶	وظیفه ما
۱۰۹	مدعیان زمان غیبت
۱۱۰	فائده و نقش امام غائب
۱۱۴	آثار غیبت
۱۲۱	شعری در ارادت به ساحت قدس ولی عصر (عج)

قسمت اول: بحثی کوتاه در اثبات وجود مقدس امام
عصر (عج)

مقدمه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. بنی
اسرائیل آیه ۸۱

بگو که حق آمد و باطل نابود شد زیرا که باطل نابود شدنی است.
ایمان و اعتقاد بظهور شخصیتی آسمانی و مصلح حقیقی و
انسان کامل جهت ریشه کن کردن مفاسد و ایجاد یک حکومت
الهی و گسترش عدل و داد، روز بروز بیشتر شده بویژه در انسانهای
منتظر و مسؤل شکوفان تر و زنده تر می گردد.

هر چه جنگ و ستیز در میان افراد بشر بیشتر می شود و شعله آن
هستی انسانها را می سوزاند، خواست و میل عمیق بشر بقیام آن
منجی داد گسترز یادتر شده ارزش و اهمیت حکومت عادلانه آن
پیشوای بزرگ و والا مقام بر مبنای فرامین اسلام و قرآن کریم بیشتر
احساس می شود چون انسان طبعاً خواهان عدل و داد و وحدت بوده
گریزان از ظلم و ستم و اختلاف می باشد.

وقتی که انسان می خواند و می شنود که در آینده نزدیک
بیدینی از بین می رود و فساد و ظلم ریشه کن می گردد و بلطف و
قدرت پروردگار مهربان صلح و صفا و عدالت در سایه رهبری و
زعامت پیشوائی معصوم و مقتدر در پهنه زمین مستقر می شود،

وحدت و همبستگی جای اختلاف و افتراق را می‌گیرد، عفریت
ظلم و جور نابود شده فرشته ایمان و توحید در آسمان و فضای آن
زمان پرواز در می‌آید و بشر در تمام شئون زندگی معتدل می‌گردد و
فوق العاده مسرور و خوشحال شده مرغ روحش اوج گرفته، امید و
آرزویش زنده می‌شود و از خدای خود می‌خواهد هر چه زودتر آن
زمان درخشان را برساند، و آن بزرگ پیشوا و مصلح را ظاهر سازد تا
بتواند مدتی را در سایه چنین حکومتی نورانی و چنان رهبر آسمانی
با سعادت کامل و آرامش روحی بسربرد.

میرسد یک روزگار با شکوه
دادگستر، حکمران آید همی
میرسد صبح سعادت یک زمان
عالمی چون بوستان آید همی
حجت حق شاهکار صنع حق
سرور انسان و جان آید همی
آفتاب پرفروغ مهدوی
از پس پرده عیان آید همی^۱
مولای متقیان می‌فرماید:

«إِنْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ
إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۲»

یعنی در انتظاریک زندگی فرح انگیز معنوی (که با ظهور و
فرج امام عصر علیه السلام حاصل می‌شود) باشید و از رحمت خدا

۱ - از مؤلف (قسمتی از یک میلادیه)

ناامید مشوید زیرا که بهترین و محبوبترین اعمال پیش خداوند
متعال انتظار فرج است.

امید و انتظار بظهور و قیام نجات‌دهنده انسانها و مصلح حقیقی
باید سبب تحرک و کوشش و کشش افراد بیدار و منتظر باشد و او
را همانند شمعی سازد که برای هدایت و روشنی محیط خود بسوزد
تا دیگران را از تاریکی و ظلمت نجات دهد.

ما نیز برحسب وظیفه مذهبی و احساس مسئولیت دینی و
ایمان و حرکت بیشتر، جهت ساختن محیط و آشنا کردن عموم،
خصوصاً نسل جوان و گمگشتگان از راه روشن اسلام بر آن شدیم
تا این کتاب کوچک را بمقدار استعداد و دریافت خود با عنایت
پروردگار مهربان و توجه امام عصر - علیه السلام - نوشته، تقدیم
حضور علاقمندان بنمائیم، باشد که چون ران ملخی مقبول پیشگاه
سلیمان عصر - حضرت مهدی - واقع شود.

توضیح آنکه این مجموعه مشتمل بر دو قسمت می باشد که در
قبل از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی برهبری امام امت قدس
سره الشریف، جداگانه به نامهای (مصلح حقیقی و خورشید
امامت) با مطالب پوشالی و بی اساس مسلک استعماری با بیت و
بهائیت (بنا به اقتضای آن زمان) چاپ و منتشر شده بود که فعلاً هر
دو قسمت بصورتیکه مشاهده می فرمائید (با حذف تمام آن
موضوعات بی ارزش و با اندکی اصلاحات و اضافات) در آمده،
امید است مورد استفاده خوانندگان گرامی قرار گیرد.

در اینجا لازم است از مساعی و زحمات فرزندان عزیزم آقای
حمیدرضا کامران که با سلیقه و خط زیبای خود این اثر حقیر را

نوشته‌اند تشکر و قدردانی کنم و توفیقات ایشانرا در کارهای
مقدس دینی و علمی از خداوند بزرگ مسئلت نمایم.

الفقیر الی اللہ الغنی: مهدی کامران

تذکر و پوزش:

اگرچه موفق نشدم این نوشته را که پیش از انقلاب^۱ تألیف شده با تغییرات کلی (هماهنگ با فضا و جو مقدس انقلاب و مردم شهیدپرور ایران) تنظیم و تدوین نمایم با تقدیم شعری از خویش به محضر امت حزب الله پوزش می جویم.

یا ابا صالح المهدی ادرکنا

مژده ای منتظران صاحب ما می آید
روشنی بخش جهان شمس هدی می آید
هله ای مردم مظلوم و پریشان از ظلم
منجی عالم پر ظلم و جفا می آید
گر چو خورشید جمالش پس ابر افتاده
فیض اولیک بر عالم زورا می آید
گرچه ازدوری رویش دل ما غمگین است
بهر تسکین دل غمزده ها می آید
ما چو یعقوب ز هجران رخس بی تابیم
یوسف ما پی درمان و شفا می آید
غیبتش گرچه شده روی علل طولانی
صبر کن صبر، که با صبر و رضا می آید
معنی صبر نه آنست که ساکت باشیم
دست بردست نهادن نه روا می آید

معنی صبر همانست که قرآن فرمود
 شیعه زان مظهر نیرو و ولا می آید
 حکمت غیبت او رنج و بلا دیدن ماست
 او یقین دان ز پس رنج و بلا می آید
 تا که الماس نبیند ضربات چکش
 از کجا از دل او برق و جلا می آید
 منتظر تا نکشد بار زایا و میحَن
 یار مولای جهان نی به سزا می آید
 امتحان هست برای من و تو غیبت او
 آنکه پیروز شود مرد وفا می آید
 در چنین عصر و زمان اصل ثبات قدم است
 با تزلزل، نه کرامت، نه علا می آید
 گر مصیبات زمان را متحمل نشویم
 شرف و عزت ما کی؟ ز کجا؟ می آید
 شاهد زنده من هست امام است
 سمبول این همه اوصاف بجا می آید
 شاهد دیگر من پیکر خونین شهید
 سر جدا یکطرف و دست جدا می آید
 هم فداکاری و ایثار همه حزب الله
 بهر این ذره چه بهتر که گوا می آید
 پس بدان جان برادر که ظهور حجت
 امر حتمی است که بی چون و چرا می آید

پسر عسکری و محیی دین احمد
 از سرا پرده مستور و خفا می آید
 یادگار علی و منتقم حق بتول
 بهر احقاق حقوق ضعفا می آید
 منبع فیض الهی ست امام مهدی
 سبب متصل ارض و سما می آید
 از ظهورش همه آفاق شود نورانی
 بانگ توحید به گوش از همه جا می آید
 مظهر قدرت و اوصاف رسولان باشد
 از وجودش همه آیات خدا می آید
 هیبتش همچو براهیم و دَمَش چون عیسی
 با یَدِ روشن موسی و عصا می آید
 ظلم و ظالم به یدش یکسره نابود شوند
 عدل و انصاف فراگیر و صفا می آید
 بار الها فرجش راز کرم کن نزدیک
 که همیشه ز دل این سوز و نوا می آید
 متصل نهضت ما را به قیامش فرما
 این دعا از همگان صبح و مسا می آید
 حال با لطف تو آمد به وطن نایب او
 با عنایات تو هم صاحب ما می آید
 به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۰۹ قمری برابر ۶۸/۱/۳ سروده شد

لزوم مصلح برای جهان

اعتقاد به مصلحی توانا و معصوم و پیشوایی مقتدر برای عالم، از گذشته دور در میان امتهای و ملتهای وجود داشته مورد توجه همه ادیان و مکاتب اخلاقی بوده است. همه پیامبران آسمانی به پیروان خود مژده و بشارت ظهور و قیام یک قائم حقیقی و یک شخصیت برجسته را می دادند که عاقبت بامر خدای بزرگ آخرین امام و مصلح انسانها ظهور خواهد کرد و بشر گمراه و پریشان را از بیدینی و نگرانی نجات خواهد داد و حکومتی عادلانه و الهی در روی زمین مستقر خواهد نمود.

این اعتقاد و ایمان روز بروز در قلب و جان انسانهای موجد مسئول و اندیشمند نفوذ می کند و هر چه حجم ظلمها و ستمها و مفاسد بیشتر می شود، ضرورت ظهور این مصلح آسمانی بیشتر محسوس می گردد، تا آنجا که امروز ملاحظه می کنیم اکثریت مردم آگاه و متفکر دنیا بوجود مصلح و نجات دهنده حقیقی معتقدند و قیام مقدس و شکوهمند او را برای تشکیل حکومت واحد جهانی و رفع نگرانیهای بشر و ایجاد صلح و صفا و عدالت لازم می دانند.

زنون فیلسوف مشهور یونان قدیم معتقد بود که تمام افراد دنیا باید از قانون و برنامه واحدیکه بوسیله مجری دانا و مقتدر و معصوم و دور از خطا اجرا می گردد پیروی و اطاعت کنند تا بتوانند به

سعادت و خوشبختی کامل برسند^۱.

راسل فیلسوف معروف نیز معتقد بود که فلسفه نظریه صلح جهانی باین علت عملی نمی شود که هنوز عالم، پیشوا و مجری دانا و مقتدر و دور از خطا نداشته و ندارد.^۲

این دانشمندی می گوید که اگر رهبری برای سعادت عالم برخیزد و بخواهد همه مردم جهان را تحت یک حکومت و قانون در آورد باید اولاً دانا و عالم بهمه نیازهای افراد بشر بوده، ثانیاً از قدرت و توانائی فوق العاده جهت برقراری وحدت و صلح برخوردار باشد، ثالثاً در زندگی مرتکب کوچکترین انحراف و گناه نشده باعتقاد ما شیعیان معصوم و دور از خطا باشد.

امید بیک زندگی انسانی براساس عدل و داد تحت یک حکومت آسمانی و برنامه الهی در سایه زعامت و رهبری یک انسان ممتاز و کامل از خواسته های حتمی و بدیهی هر انسان عاقل و آگاه می باشد و هرچه جو و فضای محیط زیست ظلمانی تر و تاریک تر شود، عشق انسان بچنین زندگی ایده آل بیشتر شده تلاشش جهت استقرار چنان برنامه کامل زیادتر می گردد.

کیست که دلش برای زندگی در محیط و فضای پراز صلح و صفا و امنیت نتپد و مرغ روحش جهت پرواز در آن دیار مصفی و مبری از هر تیرگی و ظلمت اوج نگیرد؟ کیست که نخواهد تحت سرپرستی و پیشوائی آن انسان کامل و آن پناهگاه مظلومان و بیچارگان بسربرد و در تحت اطاعت چنان حکومت عادلانه و

۱ و ۲ - اقتباس از نشریه کانون بحث مشهد

فورانی در نیاید؟ کدام انسان منتظری است که پرنده دلش برای نغمه سرائی بر روی شاخسار با طراوت و درخت بوستان سبز و خرم اسلام بهنگام حکومت و امامت ظاهری و سلطنت جهانی آن مصلح حقیقی و آن نجات‌دهنده انسان پرنزند؟ و کدام چشم مشتاقی است که بزیارت و تماشای آن محبوب مشتاقان و منتظران و آن یوسف عسکری - که یوسف یعقوب کمینه غلام پیشگاه اوست - مایل و علاقمند نباشد.

لذا اعتقاد بوجود یک مصلح مقتدر و معصوم برای آینده جهان جهت ایجاد حکومت عادلانه اسلامی و پر کردن زمین بعدل و داد از امور روشن و بدیهی و مسلم بوده و هست و این چنین عقیده و ایمانی قطعاً ریشه الهی و آسمانی دارد بعبارت روشن تر خداوند متعال از روز ازل مقدر فرموده که در آخر الزمان یک رهبر و پیشوای برجسته و کامل از دودمان رسول اکرم و از گلزار حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین و از گلشن امام عسکری و نرجس (ع) به قدرتش باید قیام کند و جهان پر از آشوب را منظم و آرام سازد و به امید و آرزوی همه پیامبران و پیشوایان لباس تحقق بپوشاند و روح و دم مهدوی در کالبد فسرده جهان و جهانیان بدمد و عالم مرده را با این نفس حیات بخش آسمانش زنده کرده که در قرآن کریم وعده فرموده است:

«إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۱

بدانید هر آینه خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند ما

برای شما نشانه‌ها و آیات خود را روشن کردیم امید است تعقل و تفکر کنید.

امام باقر(ع) در ذیل این آیه فرمود «خداوند بلند مرتبه زمین را بوجود قائم بعد از اینکه بکفر و جور مرده و افسرده شد، زنده و احیاء می‌کند».^۲

بشارت‌های گذشتگان راجع به مصلح آسمانی

برای اینکه مسأله قیام مصلح برای خواننده عزیز بیشتر روشن شود در اینجا پیش بینی‌ها و بشارت‌های بعضی از بزرگان دین و پیشوایان و دگران را باختصار یادآور می‌شویم:

۱ — در مزمور ۳۷ کتاب زبور حضرت داود آیه ۹ به بعد آمده است «زیرا که شریران منقطع می‌شوند، متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی بهره‌مند خواهند شد، صدیقان (راستگویان) وارث زمین شده همیشه در آن ساکن خواهند شد. ۳ این بشارت اشاره بآیه شریفه قرآن است که می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۴

هر آینه در زبور پس از ذکر (توراة) نوشتیم که زمین را بندگان صالح من وارث می‌شوند. در بحار نقل شده که منظور از بندگان صالح در این آیه کریمه حضرت مهدی و یاران او می‌باشند.^۵

۲ — ترجمه از بحار ج ۵۱ ص ۵۴

۳ — بشارت عهدین ص ۲۳۶

۴ — انبیاء آیه ۱۵

۵ — ج ۵۱ ص ۴۷

۲ - در انجیل متی^۱ باب ۲۵ آیات ۳۱ و ۳۴ می نویسد: «چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگ خود قرار خواهد گرفت همگی قبائل نزد وی جمع خواهند گشت و آنها را از یکدیگر جدا خواهند نمود»^۱ که منظور از فرزند انسان، مصلح حقیقی حضرت مهدی (ع) می باشد.

۳ - در کتاب «دید» که در نزد هندویان از کتب آسمانی محسوب می شود نوشته شده که «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و بدین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد برآید»^۲

کلمه منصور که در این بشارت آمده یکی از القاب مصلح آسمانی حضرت مهدی است.^۳ و هم چنین در روایات اسلامی نقل شده که خداوند بدستش مغرب و مشرق زمین را فتح می کند و سلطنت و سیطره او به شرق و غرب عالم می رسد چنانچه از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمود:

«يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا... وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^۴

۴ - پاتیکل که باعتماد هندیها از پیامبران آسمانی است در

۱ - بشارت عهدین ص ۲۴۴

۲ - ادیان و مهدویت ص ۱۹

۳ - کلمه منصور در آیه ۳۳ بنی اسرائیل به امام عصر تأویل شده

۴ - کمال الدین چاپ جدید ص ۲۵۳ و ۲۸۰

کتاب خود راجع به دولت با سعادت مصلح آسمانی این چنین پیش بینی نموده است: «چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا گردد از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس آخرالزمان (منظور رسول اکرم است) و دیگری صدیق اکبر (منظور مولای متقیان می باشد) است، نام آن صاحب ملک تازه راهنماست (راهنما نام حضرت مهدی است) بحق پادشاه شود و خلیفه رام باشد (رام بلغت سانسکریتی خداست) و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد هر که پناه باو برد و دین پدران او را اختیار کند سرخ روی باشد.»^۱

۵ - جاماسب حکیم که باعتقاد ایرانیان سابق پیامبر بوده در جاماسب نامه می نویسد: «مردی می آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ ساق بردین جد خویش بود با سپاه بسیار روی بایران نهد و آبادانی کند و زمین پرداز کند و ازداد وی باشد گرگ با میش آب خورد... و همه کس بدین مهر آزمای (منظور پیامبر اکرم است) باز آیند و جور و آشوب از جهان برخیزد چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن؟ و اگر وصف نیکوئی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم.»^۲

همه در انتظار مصلح آسمانی بسر می برند

همانطور که قبلاً گفته شد انتظار قیام مصلح و رهبر آسمانی در میان ملل و امم از گذشته وجود داشته و اکثریت انسانها بوجود

۱ - بشارات عهدین ص ۲۴۶ و ۲۴۷

۲ - دولت مهدی ص ۱۰

مصحلی که باید قیام کند و جهان را به عدل و داد پر نماید معتقد بودند در اینجا جهت توجه خوانندگان محترم باین موضوع ریشه دار عقاید بعضی از طوایف را از کتاب ادیان و مهدویت نقل می‌کنیم:

۱- برهمنان از گذشته دور بر این عقیده بودند که در آخرالزمان شخصی بنام «ویشنو» ظهور می‌نماید و بر اسب سفیدی سوار می‌شود و شمشیر سفیدی بدست گرفته مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا را بدین برهمن در خواهد آورد.»

۲- ساکنین جزائر انگلستان از چندین قرن قبل آرزومند و منتظرند شخصی بنام «آرتور» که در جزیره آوالون سکونت دارد روزی ظاهر شود و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سیادت و آقائی دنیا نصیب آنها گردد.»

۳- ایرانیان قدیم معتقد بودند که «گرازاسپه» پهلوان نامی و تاریخی آنان زنده است و در کابل خوابیده است و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزیکه بیدار شود قیام نماید.»

۴- یهودیان نیز قائل شده‌اند که در آخرالزمان شخصی بنام ماشیع (مهدی بزرگ) پیدا می‌شود که پادشاه پادشاهان می‌باشد و نصاری نیز بوجود مهدی قائل شده می‌گویند «ماهدی» ظهور میکند عالم را خواهد گرفت.^۱

مصلح حقیقی کیست؟

تا اینجا معلوم شد که عقیده بقیام یک مصلح جزء اعتقادات^۱

۱- ادیان و مهدویت ص ۳۹ و ۴۰

اصولی و ضروریات دینی گذشتگان بوده و همه در انتظار چنین شخصیتی که براندازنده اساس ظلم و ستم و گستراننده عدل و داد می باشد بوده اند. حال باید دانست که این مصلح کیست؟ و چه خصوصیات را داراست؟ و از چه دودمان و خانواده است؟ آیا عده ای را که بر شمردیم مصلح واقعی بودند و توانستند نقش مصلح آسمانی و حقیقی را در روی زمین داشته باشند یا فقط مورد اعتقاد پیروان و علاقمندان خود در زمانی محسوب می شدند ولی نتوانستند جهان را بعدل و داد پر کرده از ظلم و جور پاک نمایند.

قبل از اینکه مصلح حقیقی را بهتر بشناسیم و با برنامه او آشنا شویم لازم بتذکر است که بدوراه می شود مصلحان مورد اعتقاد دیگران را چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام رد کرده آنان را بعنوان نمونه های دروغ و کذب یا خدمتگزاران قلابی مردم و اجتماع (نه مصلح واقعی) شناخت.^۱

راه اول

اینکه یا پهلوانان و بزرگان گذشته که با شتاب مصلح محسوب شدند خروج و قیامشان اصلاً تحقق خارجی نداشته و ظهور و بروزی برای آنان نبوده است یا که اگر حرکت و قیامی بوجود آوردند بسیار ناچیز و غیرقابل توجه بود و نه تنها عدل و دادی در

۱ - توضیح آنکه اگر پیشتر راجع به افراد بزرگ و مشهور مورد اعتقاد ملل پیشین و مردم گذشته مطالبی نوشتیم نه از باب اینکه آنان مصلح و رهبر حقیقی هستند بلکه منظور این بود که اعتقاد به یک رجل آسمانی و قیام کننده حقیقی در آخرالزمان جزء امور روشن و بدیهی بوده و این چنین عقیده حاکی از قیام آسمانی و شکوهمند یک پیشوای مقتدر و یک مصلح آسمانی می باشد.

گوشه ای از عالم بوجود نیاوردند بلکه عامل ایجاد مشکلاتی گشته بر حجم ظلم و ستم و بیدینی موجود افزودند. از باب مثال همان (ویشنو) برهمائی یا اصلاً قیام نکرده و اگر کرده کاری از پیش نبرده و هم چنین آرتور و گرزاسپه و دیگران.

راه دوم

بشارتها و مرده های پیامبران آسمانی و تأسیس کنندگان مکاتب اخلاقی درباره نامبردگان هیچ صادق نیست و خصوصیات و نشانه هائیکه رهبران آسمانی راجع به مصلح آخرالزمان در کتابهای خود فرمودند در مورد دیگران هیچ مطابقت ندارد. بلکه با توجه و تعمق در این بشارتها نتیجه می گیریم تنها شخصیتی که این نشانه ها و علامتها را داراست مصلح اسلام و منجی جهان بشری حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد.

خصوصیات مصلح حقیقی

برتر اندر اسل در کتاب امیدهای نومی نویسد «جهان برای اینکه تحت یک حکومت در آید و نظریه فلسفه صلح جهانی عملی شود و در روی زمین حکومت واحد جهانی تشکیل گردد، باید دارای رهبر و مجری دانا و مقتدر و دور از خطا باشد.^۱

۱ - توجه داشته باشید که ما گفتار اسل را تنها شناخت مصلح اسلام نمیدانیم و سخن او را ملاک کامل امام عصر نمی شماریم بلکه این فراز برای بعضی از روشنفکر مآبها نوشته شد زیرا گفتار قرآن و پیامبر اکرم و امامان برای شناخت مصلح حقیقی کافی است و بگفتار دیگران نیازی نیست.

مسلماً تمام افرادی که با اعتقاد پیشینیان باید قیام بکنند و رهبر عالم شوند یا هر سه خصلت و امتیاز را نداشته و یا یکی دو تا را دارا نبودند، بویژه که هیچیک از مصلحان ادعائی دارای صفت و ملکه عصمت (معصوم بودن) که از امتیازات مهم مصلح اسلام است نبوده و نخواهند بود و هیچکس هم نگفته که آنان در زندگی معصوم و دور از خطا بوده اند.

با توجه بیشتر در می یابیم که این سه امتیاز و سه خصلت کلاً در قائم اسلام که آخرین حجت الهی است بحد کمال وجود دارد و اینک توضیح بیشتر در این مورد:

اول: راجع به علم و دانش مصلح حقیقی: مبرهن و روشن است که امام و حجت وقت و پیشوای برحق زمان باید از همه مردم روی زمین داناتر باشد و این مطلبی است که شیعه امامیه با دلایل فراوان آنرا اثبات می کند و آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی مؤید آن می باشد.^۲ دشمنان اسلام و مخالفان ائمه بالا تفاق معتقد بودند که پیشوایان شیعه داناترین فرد روی زمین می باشند.

در مورد علم و دانش مصلح اسلام که فعلاً محل بحث است اخبار و روایات فراوانی وارد شده که به بعضی از آنها اشاره می شود: امام سجاد علیه السلام راجع به علم و کمال مصلح حقیقی می فرماید:

«علم و دانش کلاً بیست و هفت حرف است، مجموع آنچه که پیامبران آورده اند دو حرف می باشد تا امروز مردم جز دو حرف

۲ - بکتاب اعتقادی از جمله کافی (قسمت کتاب الحجة) مراجعه شود.

را نشناختند پس هرگاه قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر می نماید و در میان مردم پخش می کند و دو حرف سابق را بدان ضمیمه می نماید تا به بیست و هفت حرف برسد و همه (علم) در میان مردم پخش گردد.^۱

این روایت مقام فوق العاده علمی حضرت مهدی (ع) مصلح حقیقی را بیان می کند که تا حال این همه ترقیات علمی در سایه دو حرف علم بوده است، مسلم وقتی که امام عصر ظهور کند و بیست و پنج حرف دیگر را بیاورد چقدر جهان از نظر علم و دانش و کمال پیش خواهد رفت که از همه مهمتر دانش دین مقدس اسلام خواهد بود. و این است یکی از اسباب پر کردن زمین بعدل و داد توسط امام عصر ارواحنا فداه.

۲ - علم و دانش از وجود مقدس و پرفیض این مصلح آنقدر بروز و ظهور می کند که یک فرد مؤمن در زمان حکومت و امامت ظاهری آن بزرگوار می تواند بدون واسطه از مسافتهای دور برادر خود را ببیند بروایت زیر توجه کنید که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ.^۲

هر آینه در زمان قائم، مؤمن از مشرق برادر خویش را که در مغرب هست می بیند و هم چنین آنکه در مغرب می باشد برادر خود را که در مشرق است می بیند.

۳ - امام باقر (ع) فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى

۱ - ترجمه از کتاب الزام الناصب ص ۲۳۰

۲ - منتخب الاثر ص ۴۸۳

رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمِعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^۳
 هرگاه قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد
 عقلهایشان بدین (محبت و لطف امام) جمع شده و اخلاقشان
 کامل می‌گردد.

با این چند روایت که از باب نمونه درباره علم و دانش
 تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی نقل شد توجه فرمودید که
 مصلح اسلام از نظر کمال و دانائی در چه پایه ای قرار دارد آیا
 مصلحان دروغی و مهدی نماها که در گذشته دور و نزدیک قیام
 نمودند از چنین کمال و فضلی برخوردار بودند یا نه؟ مسلماً جواب
 منفی است.

البته باید دانست که خداوند قادر و توانا برای اینکه بدست با
 کفایت مصلح حقیقی جهان را به عدل و داد و علم و کمال پر کند
 به آخرین سفیر و حجت خود این چنین افاضه خواهد فرمود و او را
 داناترین فرد روزگار قرار خواهد داد.

دوم: مصلح حقیقی باید نیرومند و توانا باشد، آنچنان قدرت و
 توانائی که بر همه جهان مسلط و حاکم شده و عالم را زیر سیطره و
 اقتدار خود در آورد و تمام گردنکشان و قدرتمندان را نابود کند و
 صلح حقیقی و عدل واقعی را در روی زمین گسترش دهد چنانچه
 امام صادق علیه السلام فرمود:

لِكُلِّ أُمَّةٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا
 وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ

۳ - بحارج ۵۲ ص ۳۳۶

یعنی برای هر گروهی از مردم، دولت و حکومتی است که منتظر
 آیند اما دولت و حکومت ما در آخرالزمان ظاهر و آشکار می‌گردد.
 با اندک مطالعه در حال دیگر مدعیان معلوم می‌شود که آنان از
 این قدرت و نیروی فوق العاده برخوردار نبوده و نتوانستند بر همه
 پهنه زمین اقتدار و سلطنت یابند. آیا زمین را به عدل و داد پر نمودن
 و از ظلم و جور ریشه کن کردن کار سهل و آسانی است؟ آیا یک
 قدرت مافوق بشری نباید این کار عظیم را انجام دهد؟ آیا هیچ یک
 از قدرتمندان و توانایان می‌توانند گوشه محدودی از عالم موجود را
 بعدل و قسط پر کنند و بیدینی و فساد را از بین ببرند؟ مسلماً نه.
 اما با توجه بآیات قرآن کریم و روایات اسلامی معلوم می‌شود
 که مصلح اسلام بقدرت خدای توانا از نیروی فوق العاده‌ای
 برخوردار است که در سایه این قدرت الهی می‌تواند بنا به فرموده
 رسول اکرم و ائمه اطهار و پیامبران پیشین سلام الله علیهم، زمین را
 به نور عدل و ایمان روشن کرده جور و ستم را از آن ریشه کن
 نماید.

امیریکه در سایه لطف ربش

زمین را کند پر ز عدل و ز ایمان

جهان در زمانش شود همچو جنت

نه پیدا است عفریت فحشا و عدوان

شود پر ز صلح و صفا عالم ما

رسد عمر بی دینی و جور پایان

رود شام ظلمانی و روز تیره

رسد صبح موعود آن ماه تابان^۱

۱ - از مؤلف (قسمتی از یک میلادیه)

دو شاهد از قرآن کریم راجع به نیروی عظیم مصلح اسلام

۱ - سوره قصص آیه ۵ می فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
یعنی (ما خداوند) اراده نمودیم بر کسانی که در زمین ضعیف شده اند منت بگذاریم. از اینکه آنان را پیشوایان و وارثان زمین بگردانیم.

امام باقر و امام صادق (ع) فرمودند: «این آیه مخصوص به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود و جباران و گردنکشان و فرعون صفتها را نابود می کند و شرق و غرب زمین را مالک می گردد و آنرا بعدل و داد پر می نماید آن چنانکه به جور پر شده بود.»^۲

۲ - سوره توبه آیه ۳۳: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»
یعنی او (خدا) است که رسول خود را برای هدایت و تبلیغ (دین حق فرستاد تا اینکه آنرا بر همه دینها ظاهر کرده و برتری دهد ولو اینکه مشرکان دلخوش نباشند.

امام باقر فرمود: «بدرستی که این موضوع (چیره شدن اسلام بر همه ادیان) هنگام خروج مهدی از آل محمد (ص) عملی و محقق می شود پس (در آن زمان) احدی باقی نمی ماند مگر اینکه به

۲ - إِنَّ هَذِهِ آيَةٌ مَخْصُوصَةٌ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَيُبِيدُ الْجَبَابِرَةَ وَالْفِرَاعِيَّةَ وَيَمْلِكُ الْأَرْضَ شَرْقًا وَغَرْبًا فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا لَمَّا مَلِئَتْ جَوْرًا» تفسیر برهان چاپ جدید ج ۳ ص ۲۲۰

سه شاهد از روایات اسلامی در این مورد

۱ - قال الصادق (ع): مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ
وَأَلَا وَصِيَاءِ إِلَّا وَ يُظْهِرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِثْلَهَا فِي يَدِ قَائِمِنَا
لِإِتْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَيَّ الْأَعْدَاءِ.^۲

یعنی هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیاء و جانشینان (آنها) نیست
مگر اینکه خداوند متعال همانها را برای اتمام حجت دشمنان (و
بستن راه بهانه‌شان) بدست قائم ما آشکار و ظاهر می‌کند.

۲ - امام هفتم راجع به قدرت و سیطره مصلح حقیقی فرمود:
«هُوَ الثَّانِي عَشْرَ يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَأَذَلَّ لَهُ كُلَّ
صَعْبٍ وَأَظْهَرَ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَيُفْنِي بِهِ
كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيُهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»^۳

یعنی او (امام) دوازدهمی است که خداوند هر مشکلی را
برایش آسان و هر دشواری را هموار می‌نماید و برایش گنجهای
زمین را آشکار می‌کند و راههای دور را برای او نزدیک کرده، هر
جبّاری را بدستش نابود می‌سازد و هر شیطان (و طاغوت)
گردنکشی را بوسیله او هلاک می‌نماید.

۱ - إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبُ

بِمُحَمَّدٍ» از تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۲۱

۲ - مکیال المکارم ص ۹۵

۳ - بحار ج ۵۱ ص ۱۵۰

۳ — امام هشتم (ع) در پاسخ (رَبَّان) فرمود: «من آن امامی نیستم که زمین را بعد از اینکه به جور پر شده به عدل پر کنم چگونه باشم در حالیکه ضعف و ناتوانی بدنم را می بینی، هر آینه قائم کسی است که هرگاه قیام کند در سن پیران و رخسار و چهره جوانان می باشد (یعنی با اینکه عمر طولانی دارد دارای قیافه ای جوان و شاداب می باشد) از نظر بدن و جسم آنچنان نیرومند است که هرگاه دستش را بسوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند (که آنرا بر کند) می کند و اگر در میان کوهها فریاد نماید سنگهای سخت آن ریز می شود، عصای موسی و انگشتری سلیمان با اوست، او چهارمین فرزند من است که خداوند بهر ترتیبی که بخواهد در پس پرده خود او را پنهان می دارد سپس ظاهرش می فرماید تا زمین را به عدل و داد پر کند چنانچه به جور و ظلم پر شده است»^۱

گذشته از نیرو و قدرت خارق العاده مصلح حقیقی، بنا به فرموده ائمه علیهم السلام یارانش معادل نیروی چهل مرد قدرت و نیرو دارند و قلب آنان چون تکه های آهن و پولاد می باشد و از شمشیر تیزتر و از شیر شجاع تر هستند.^۲

مصلح اسلام با چنین قدرت عجیبی شرک و بیدینی را ریشه کن کرده عدالت را در پهنه زمین گسترش می دهد چنانچه در دعای شریف ندبه می خوانیم که «أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أْبْنِيَّةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ»

۱ — ترجمه از منتخب الاثر ص ۲۲۱

۲ — بحارج ۵۲ باب سیره و اخلاقه

وَالْعِضْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ...»

یعنی کجاست درهم شکننده شوکت و شکوه تجاوزکاران؟ کجاست نابودکننده بناهای شرک و نفاق و دوروئی؟ کجاست از بین برنده افراد فاسق و گردنکش و طاغی؟ کجاست دروکننده شاخه‌های گمراهی و ضلالت؟...

سوم: دور از خطا بودن مصلح: موضوع عصمت و بی‌گناهی مصلح حقیقی از بدیهیات مذهب اثنی عشری است که آیات قرآن کریم و روایات متواتر اسلامی شواهدی روشن و گویا بر این عقیده می‌باشد.

هیچیک از مصلحان کذاب گذشته در مقام عصمت نبوده و از حیث حسب و نسب به پاکی و اصالت مصلح واقعی نمی‌رسند، تنها شخصیتی که از هر عیب و نقص مبری بوده و بتمام معنی معصوم و دور از خطا می‌باشد قائم حقیقی اسلام و موعود واقعی حضرت حجة بن الحسن العسکری خواهد بود.

کدام مصلحی را در عالم می‌توان نشان داد که از حیث نسب و اصالت خانوادگی و طهارت مولد و پاکی دودمان به مصلح اسلام، امام عصر ارواحنا فداء برسد؟! او شخصیتی است که خداوند متعال، رجس و پلیدی و ناپاکی را از او و دودمان طاهرش پاک و مبری فرموده و در قرآن شریف آیه تطهیر را در طهارت و معصوم بودن او و اجداد گرامیش نازل فرمود آنجا که در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌فرماید: «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

یعنی خدا اراده کرد که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت

ببرد و دور کند و شما را پاک و طاهر گرداند.

مصلح از دیدگاه اسلام

موضوع و مسأله ظهور و قیام یک مصلح و یک امام از دودمان رسول اکرم (ص) در مکتب اسلام فوق العاده و بیش از ادیان و مکاتب دیگر مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است، از آنجا که مصلحان و مدعیان دروغین بعد از اسلام فراوان پیدا شده‌اند و برای پیشبرد هدف نامقدس خود دست به تحریف حقایق زده ادعای قائمیت و مصلح بودن کرده‌اند، پیامبر بزرگوار و ائمه اطهار علیهم السلام تمام علامتها و نشانه‌های مصلح حقیقی را به اصحاب و یاران خود فرموده‌اند آنان را به قیام و ظهور آن پیشوای راستین و آن مقتدای عالمیان بشارت داده‌اند تا راه ادعاهای مصلح‌نماها بکلی بسته شده افراد آگاه، رهبران مصنوعی را بخوبی بشناسند.

این علامتها و نشانه‌ها در کتب اخبار و حدیث فراوان نقل شده که دانشمندان بزرگوار شیعه در جمع‌آوری و ضبط آنها کوشش فراوانی نموده‌اند، تنها دانشمند عالیقدر شیعه مرحوم علامه مجلسی گذشته از اخبار و روایات اهل البیت علیهم السلام راجع به مصلح حقیقی حدود ۶۰ آیه قرآن را که امامان شیعه درباره قائم واقعی تأویل و تفسیر فرموده‌اند در مجلد سیزده بحار (چاپ جدید ج ۵۱ و ۵۲) جمع‌آوری نموده است که در اینجا به اختصار به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ

زَهُوقاً»^۱

یعنی بگو که حق آمد و باطل از میان رفت و نابود شد زیرا که باطل نابودشدنی است.

امام باقر(ع) در ذیل این آیه فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»^۲

یعنی هرگاه قائم علیه السلام قیام کند دولت و حکومت باطل از بین خواهد رفت.

۲ - سوره لقمان آیه ۲۰ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»

یعنی روزیهای ظاهر و نهان را بر شما فراوان کرد.

امام کاظم(ع) فرمود: «نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطن امام غائب می باشد که از چشم های مردم غائب است و گنج های زمین برایش آشکار شده و هر راه دوری برای او نزدیک می شود»^۳

شواهدی از اخبار و روایات اسلامی

باید دانست آن مصلح حقیقی و آن منجی واقعی که همه پیامبران و انبیاء گذشته و پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه اطهار

۱ - سوره بنی اسرائیل آیه ۸۱

۲ - بحارج ۵۱ ص ۶۲

۳ - النعمه الظاهرة الإمام الظاهر والباطنة الإمام الغائب عن أبصار الناس شخصه ويظهر له كئوز الأرض ويقرّب عليه كل بعيد. بحارج ۵۱ ص

عليهم السلام در مورد قیام و ظهور او بشارت و مژده داده اند، فرزند بلافصل امام عسکری و نرجس خانم و میوه بوستان اسلام است که خداوند حکیم مکتب تشیع را بدین امتیاز بزرگ و فضیلت آسمانی بر دیگر ادیان و مکاتب تفوق و برتری داده است.

در اینجا برای آشنائی و تمایز مصلح حقیقی از مصلحان دروغی، فرموده های پیامبر اکرم و حضرت زهرا و دوازده معصوم دیگر را باختصار نقل می کنیم که برای افراد عاقل و مخالفان و گمگشتگان منصف دلیل روشن و بیان کافی باشد و آنان را از تردید و شک و گمراهی و اعتقاد به مدعیان دروغین نجات دهد و بصیرتی برای دوستان عزیز شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

۱ - از رسول بزرگوار نقل شده که فرمود: «هر آینه خلفا و جانشینان و اوصیاء من وججتهای بعد از من از طرف خداوند دوازده نفرند، اولشان برادرم و آخرشان فرزندم می باشد، پرسیدند برادرت کیست؟ فرمود علی بن ابیطالب گفته شد فرزندت کیست؟ فرمود مهدی، آنکه زمین را به قسط و عدل پر کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده است، سوگند بخداثیکه مرا بحق پیامبر گردانید اگر از عمر دنیا جز یکروز باقی نماند خداوند همان یکروز را آنقدر طولانی می کند تا فرزندم مهدی خروج نماید پس روح الله عیسی بن مریم نازل می شود و پشت سر او نماز می گزارد و زمین بنورش روشن می شود و سلطنت و حکومت او شرق و غرب را

۲ - جابر یزید جعفی می‌گوید: از جابر بن عبد... انصاری شنیدم که می‌گفت «زمانیکه خداوند متعال این آیه شریفه را که می‌فرماید «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و صاحبان امر پیروی کنید» بر پیامبرش نازل کرد عرض نمودم ای رسول خدا، ما خدا و پیامبرش را شناختیم، صاحبان امر چه کسانی هستند که خداوند اطاعت از آنها را نزدیک و قرین اطاعت تو قرار داده است؟ پیامبر اکرم فرمود ایشان جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من می‌باشند، اولشان علی بن ابیطالب بعد حسن، بعد حسین بعد علی بن حسین از آن پس محمد پسر علی است که در توراة به باقر معروف است. ای جابر بزودی تو او را درک می‌کنی، هرگاه او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان سپس صادق جعفر پسر محمد، بعد موسی بن جعفر بعد علی بن موسی پس از او محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی سپس هم اسم و هم کنیه من می‌باشد که حجت خدا در زمینش و باقیمانده (حُجَج) او در میان بندگانش است او پسر حسن بن علی است که

۱ - ... «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَحْيَى وَأَخْرَهُمْ وَلَدِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أُوْكَ؟ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَيْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَثْرُلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتَشْرُقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ» از کمال الدین ص

خداوند بدست او مشرقها و مغربهای زمین را فتح می‌کند (کنایه از همه عالم است) او کسی است که از دوستان و شیعیانش مدتی غایب و پنهان می‌شود، تنها کسی با مامتش ثابت می‌ماند که خداوند قلبش را بخاطر ایمان امتحان کرده باشد»^۱

از امیر المؤمنین (ع):

۱ - اصبع بن نباته می‌گوید خدمت امیر المؤمنین رسیدم او را متفکر و در اندیشه عمیق یافتم که زمین را می‌کاوید عرض کردم ای امیر مؤمنان چرا در فکر و اندیشه هستی و زمین را می‌کاوی آیا بدان رغبتی پیدا کردی؟ فرمود نه سوگند بخدا هیچگاه راجع بدنیا و متعلقاتش فکر نمی‌کنم و بآن هیچ رغبتی ندارم اما در باره مولود و فرزند یازدهم خود می‌اندیشیدم، اوست مهدی که زمین را پر از

۱ - لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ هُمْ خُلَفَائِي وَآئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوَارِقِ بِالْبَاقِرِ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَاقْرَأْهُ عَنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَكُنْيَتِي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَيْتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ آمَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِإِيمَانٍ» (از منتخب الاثر ص

عدل و داد می‌کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده است.^۱

۲ — امیرالمؤمنین بامام حسین (ع) فرمود: «التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ»^۱

یعنی ای حسین نهمین فرزندت قائم بحق و ظاهرکننده دین (غلبه دهنده آن) و گستراننده عدالت است. طبق این روایت امام عصر که نهمین فرزند حضرت سیدالشهداء می باشد مصلح واقعی و قائم حقیقی است.

از حضرت زهراء (س):

در لوح مقدس فاطمه که خداوند بر پیامبر نازل فرمود تمام مشخصات دوازده امام بیان شد راجع به مصلح می فرماید...
 «أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمُ»^۳

یعنی ابوالقاسم محمد پسر حسن حجت قائم خدای متعال بر خلقش می باشد.

۱ — عَنِ الْأَضْبَعِيِّ بْنِ زَيْبَاتَةَ قَالَ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُهُ مُتَّفَكِّرًا يَتَنَكَّرُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَّفَكِّرًا تَتَنَكَّرُ فِي الْأَرْضِ أَرِغِبْتَ فِيهَا؟ قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَلَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودِ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشْرٍ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا...»

(کافی ترجمه مصطفوی ج ۲ ص ۱۳۶)

۲ — کمال الدین ص ۳۰۴

۳ — کمال الدین ص ۳۰۷

از امام مجتبی (ع):

وقتیکه عده‌ای بامام حسن (ع) اعتراض کردند که چرا با معاویه صلح کردید حضرت پس از آنکه علتها و مصالح آنرا بیان کرده فرمود: «آیا نمی‌دانید^۱ که احدی از ما نیست مگر اینکه (بناچار) بیعت گردنکش زمان بعهده اوست جز قائم که روح الله عیسی بن مریم (ع) پشت سرش نماز می‌گزارد، خداوند ولادتش را پنهان می‌نماید و وجودش را غائب می‌کند تا زمانی که خروج می‌نماید، بیعت و اطاعت هیچکس بعهده‌اش نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است... خداوند عمرش را در زمان غیبت طولانی می‌کند سپس بقدرتش او را در قیافه و صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می‌کند. این لطف قدرت خداوند بجهت آنستکه دانسته شود که او بر ایجاد هر چیزی قادر و توانا است.»^۲

۱ - خواننده عزیز ملاحظه می‌فرمائید در این چند روایت تمام مشخصات و علائم مصلح حقیقی بیان شده است و بخوبی آن شخصیت آسمانی معرفی و شناخته گشت تا مردم روی نادانی و منظور دیگر بدنبال مصلح‌نماها نروند و قائم حقیقی را از مدعیان مصنوعی باز شناسند.

۲ - أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَأْمِنًا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بَنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وَلَا دَتَهُ وَيُغَيِّبُ شَخْصَهُ لِيَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ... يُطِيلُ اللَّهُ عُمرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظهِرُهُ بِشُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» کمال‌الدین ص ۳۱۶

از امام حسین (ع):

قال الحسين (ع): «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمْ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُخَيِّسُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...»^۱

یعنی از ماست دوازده مهدی که اولشان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و آخرشان نهمین فرزندم می باشد او امام قائم بر حق است که خداوند زمین را به سبب او زنده می کند بعد از مردنش و به سبب او دین حق را بر همه ادیان پیروز می کند اگر چه مشرکان ناخوش بدارند...»

از امام سجاد (ع):

در قائم ما نشانه ها و علامتهائی از پیامبران می باشد، سنتی از پدر ما آدم دارد و نشانه ای از نوح و ابراهیم و سنتی از موسی و روشی از عیسی و علامتی از ایوب و سنتی از محمد (که درودهای خدا بر آنان باد) اما نشان او بآدم و نوح طول عمر و با ابراهیم پنهانی متولد شدن و دوری از مردم می باشد و نشان او به موسی بیم و غیبت و به عیسی اختلاف مردم درباره او و از ایوب گشایش بعد از سختی و گرفتاری است و از محمد (ص) قیام به شمشیر خواهد بود...»^۲

۱ - کمال الدین ص ۳۱۷

۲ - «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سُنَّةٌ مِنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَسُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَسُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَسُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَسُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَنُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ وَأَمَّا مِنْ

از امام باقر (ع):

قائم ما به رعب و هیبت یاری می شود (خداوند هیبت او را در دل دشمنان می افکند و به نصرت الهی کمک می گردد زمین برایش در نور دیده می شود (در اختیارش است) و گنجهای آن برایش آشکار می گردد سلطنت و حکومت او مشرق و مغرب (همه عالم) را می گیرد. خداوند متعال به سبب او دین خود را بر همه ادیان برتری می دهد هر زمین خراب و ویران را آباد می کند زمانیکه قیام می نماید پشتش را بکعبه می دهد و سیصد و سیزده نفر (اصحاب اولیه) پیش او جمع می شوند و اولین سخن او این آیه است «باقیمانده حُجج الهی برای شما بهتر است اگر مؤمن می باشید» من باقیمانده خدا در زمینش هستم و خلیفه و حجت او بر شما می باشم.»^۱

→
إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءَ الْوَلَادَةِ وَأَعْتَزَالَ النَّاسِ وَأَمَّا مِنْ مُوسَىٰ فَالْخَوْفُ وَالغَيْبَةُ وَأَمَّا مِنْ عِيسَىٰ فَالْخِتْلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَحُ بَعْدَ الْجَلْوَىٰ وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ» کمال الدین ص ۳۲۲
۱ - أَلْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرَّغْبِ مُوَيَّدٌ بِالنُّصْرِ تَطْوَىٰ لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الْأَرْضِ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَىٰ فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عَمَرَ... فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثِمِائَةٌ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ...»
کمال الدین ص ۳۳۱

از امام ششم (ع):

«همانا خلف صالح از فرزندانم مهدی است اسمش محمد و کینه اش ابوالقاسم می باشد که در آخر الزمان قیام می کند... او دو اسم دارد، خلف و محمد، در آخر الزمان ظاهر می شود و بالای سرش قطعه ابری است که او را از آفتاب سایه می کند، هر کجا که برود آن ابر نیز می رود و دور می زند، با صدای فصیح و بلند ندا می کند که همانا این شخص مهدی است.»^۱

از امام کاظم (ع):

یونس پسر عبدالرحمن می گوید بر موسی بن جعفر داخل شدم باو عرض کردم ای پسر رسول خدا آیا شما قائم حقیقی هستید؟ فرمود من قائم بحق هستم، اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و به عدل پر می نماید آنچنانکه بجور پر شده پنجمین فرزندم می باشد که غیبتی طولانی دارد.»^۲

۱ - قال الصادق «الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْمَهْدِيُّ إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ... وَهُوَ ذُو الْإِسْمَيْنِ خَلْفٌ وَمُحَمَّدٌ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَعَلَى رَأْسِهِ غِمَامَةٌ تُظِلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ تَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَتْ نَادِي بِصَوْتٍ فَصِيحٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ» منتخب الاثر ص ۲۱۴

۲ - عن يونس بن عبدالرحمن قال: «دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَقُلْتُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؟ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُظْهِرُ الْأَرْضَ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْزاً هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمَدُهَا» بحارج ۵۱ ص ۱۵۱

از امام هشتم (ع):

وقتی که شاعر متعهد دعبل خزاعی قصیده معروف خود را برای حضرت رضا می خواند و در آن اشاره بقیام و خروج امامی می کند حضرت پس از تحسین می فرماید آیا این امام را می شناسی؟ می گوید شنیدم که از دودمان شما امامی قیام می نماید که زمین را پس از فساد پاک می گرداند و به عدل پر می نماید آنگونه که بظلم پر شده بود سپس امام هشتم می فرماید:

«الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَبَعْدُ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَبَعْدُ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدُ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا.»^۱

یعنی امام بعد از من پسر محمد است و بعد از محمد فرزندش علی و بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم است که در زمان غیبتش انتظار او را می کشند. اگر از عمر دنیا جز یکروز باقی نماند خداوند همان را طولانی می کند تا او خروج نماید و زمین را بعدل و داد پر کند چنانچه به جور و ستم پر شده بود.

از امام جواد (ع):

عبدالعظیم حسنی می گوید بر سرورم محمد بن علی

۱- بحارج ۵۱ ص ۱۵۴

عليهما السلام (امام جواد) وارد شدم و قصد داشتم از او سؤال کنم که آیا قائم همان مهدی است یا غیر او؟ قبل از اینکه من شروع به سخن نمایم امام فرمود: «ای ابوالقاسم بدرستی که قائم ما همان مهدی است که واجب است در زمان غیبتش در انتظار او بسر برند و در زمان ظهورش اطاعتش نمایند او سومین فرزند من است سوگند بآنکه محمد را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص و ممتاز گردانید اگر از عمر دنیا جز یکروز باقی نماند خداوند آنرا طولانی می کند تا او قیام نماید و زمین را به قسط و عدل پر می کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده بود.»^۱

از امام هادی (ع):

إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ إِنَّهُ الْقَائِمُ الَّذِي
 - يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.^۲

یعنی بدرستی که امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است که زمین را به عدل و داد پر می کند آن چنانکه به جور و ظلم پر شده است.

۱ - عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ أَهْوَالِ الْمَهْدِيِّ أَوْ غَيْرِهِ؟ فَأَبْتَدَأَنِي يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا بِحَارِ

ج ۵۱ ص ۱۵۶

۲ - کمال الدین ص ۳۸۳

از امام یازدهم (ع):

۱ - از امام عسکری (ع) سؤال شد ای فرزند رسول خدا پیشوا و حجت بعد از شما کیست؟ فرمود پسر محمد او امام و حجت بعد از من می باشد کسیکه بمیرد و او را نشناسد مانند مردن جاهلیت مرده است. (يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ إِنِّي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً).^۱

۲ - احمد بن اسحاق می گوید از امام عسکری شنیدم که می فرمود شکر مخصوص خدائی است که مرا از دنیا بیرون نبرد تا اینکه فرزندم را که جانشین بعد از من است به من نشان داد. او شبیه ترین مردم برسول خدا از حیث خلقت و اخلاق می باشد خداوند متعال او را در زمان غیبتش حفظ می کند سپس ظاهرش می نماید تا زمین را بعدل و داد پر کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده بود.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ آرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَلْقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۲

۱ - بحارج ۵۱ ص ۱۶۰

۲ - کمال الدین ص ۴۰۹

از امام عصر (ع):

مرحوم صدوق از شخصی بنام احمد ابن اسحاق نقل می‌کند که گفت بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم خواستم راجع به جانشین بعد از او سؤال کنم قبل از اینکه شروع به سخن نمایم امام فرمود ای احمد بن اسحاق بدرستی که خداوند متعال از موقعی که آدم علیه السلام را خلق کرد تا قیامت زمین را از حجتش بر مخلوق خود خالی نگذارد. به سبب حجت خود بلاء را از اهل زمین دفع نمود و بواسطه او باران را نازل کرد و به برکت وجود حجتش زمین برکات خود را بیرون می‌فرستد. احمد می‌گوید پرسیدم ای پسر رسول خدا پس امام و خلیفه بعد از تو کیست؟ پس آن حضرت به شتاب بلند شد و داخل اطاق گشت بعد بیرون آمد در حالیکه پسر سه ساله ای که صورتش ماه شب بدر بود روی شانه اش قرار داشت. فرمود ای احمد اگر پیش خدا و ما عزیز و گرامی نمی‌بودی پسر مرا بتو نشان نمی‌دادم او همانم وهم کنیه رسول خداست که زمین را به عدل و داد پر می‌کند آن چنانکه به جور و ستم پر شده بود... سوگند بخدا غیبتی طولانی می‌کند که در آن مدت تنها کسیکه خداوند متعال او را نسبت به امامتش ثابت گرداند و موفق بدعاء تعجیل فرج نمود، هلاک و نابود نمی‌شود احمد گفت بامام عرض کردم ای سید من آیا علامت و نشان دیگری است که قلبم بدان مطمئن گردد؟ پس آن پسر ماهر و با زبان عربی فصیح فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ آثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ

۱- یکی از اصحاب دانشمند امام یازدهم است.

يَا اَحْمَدَ بْنَ اِسْحَاقَ»

یعنی من باقیمانده (حجت) خدا در زمینش هستم و انتقام گیرنده از دشمنانش می باشم بعد از اینکه این نشان بزرگ را دیدی بدنبال علامت دیگر مباش.^۱

خواننده گرامی ملاحظه فرمودید که در این بیانات رسا و روشن چگونه خصوصیات مصلح حقیقی و موعود آسمانی اسلام بطور کامل بیان شده و پیشوایان دین برای اینکه افکار شیعیان را به قیام و ظهور آن منجی جهان بشری توجه داده آنان را از حیرت و بدبینی و پیروی مصلح نماها نجات بدهند تمام مشخصات و علامات او را بطور صریح و روشن بیان فرمودند.

آنچه که در این فرموده ها بیشتر بچشم می خورد و مهمتر بنظر می رسد موضوع پر شدن زمین به عدل و داد و ریشه کن کردن جور و ستم بوسیله آن مصلح می باشد که یکی از نشانه های بارز و روشن مصلح حقیقی و قائم واقعی است که تمام قیام کنندگان و مدعیان دروغین از آن بکلی برهنه و پیاده هستند، باین معنی که هیچیک از آنان نتوانستند در محل کوچکی از روی زمین، عدل و داد بوجود آورده آن قسمت را بصلح و صفا و برادری پر کنند تا چه رسد بهمه جهان بعکس بخوبی پیدا است که مشکلات جهان را بیشتر کرده بر حجم اختلاف و ظلم و ستم افزودند.

گفتار دانشمندان عامه درباره حضرت مهدی (ع)

۱ - ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه از پیامبر اکرم

۱ - ترجمه از کمال الدین ص ۳۸۴

نقل می‌کند که فرمود:

«لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي إِسْمُهُ إِسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.»^۱

یعنی اگر از عمر دنیا جز یکروز باقی نماند خداوند همان روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از امت و اهل بیت من را بر می‌انگیزاند که اسم او برابر و مطابق اسم من می‌باشد زمین را بعدل و داد پر می‌کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده بود.

۲ — دانشمند مشهور سنت شیخ سلیمان بلخی حنفی در کتاب «ینابیع الموده» نقل می‌کند که «یک نفر یهودی خدمت رسول اکرم رسید و چند سؤال از حضرت نموده ایمان آورد از جمله پرسشهایی که کرد راجع به جانشینان پیامبر اکرم بود، رسول خدا فرمود اوصیاء من دوازده نفرند و نام هر یک از آنانرا پس از دیگری بیان کرد تا بنام امام حسن عسکری رسید و فرمود بعد از امام حسن عسکری فرزندش محمد است که مهدی و قائم و حجت خوانده می‌شود آن حضرت غایب می‌شود و بعد از غایب شدن قیام خواهد کرد، موقعیکه قیام کند زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن طور که پر از جور و ظلم شده باشد خوشا بحال آن مردمیکه در غیبت آن بزرگوار صبر کنند، خوشا بحال آن افرادی که در محبت او استقامت نمایند آنان همان اشخاصی هستند که خدا در قرآن خود در وصفشان فرموده: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» یعنی راهنمای پرهیزکارانی است که به غیب ایمان دارند. نیز درباره

۱ — منتخب الاثر ص ۱۵۳

آنان می فرماید «اُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آیه ۲۳ سوره مجادله: آنان دسته و سپاه خدایند بدرستیکه سپاه خدا پیروز و رستگار است.^۱

۳- ابن خلدون جامعه شناس معروف و از مورخین سنی مذهب در کتاب مقدمه معروف خود می نویسد: «آنچه در میان تمام مسلمانان و در تمام قرون معروف بوده است این است که ناچار باید در آخرالزمان مردی از خاندان پیامبر ظهور کند و دین را تأیید بخشد و عدل و داد را آشکار سازد و مسلمانان از او پیروی خواهند کرد و او را مهدی می نامند.»^۲

۴- شعرانی دانشمند معروف سنی در کتاب «الیواقیت والجواهر» می نویسد: «مهدی فرزند امام حسن عسکری است ولادت آن حضرت در شب نیمه ماه شعبان سنه ۲۵۵ هجری بوده، آن بزرگوار باقی خواهد بود تا با عیسی بن مریم اجتماع کند.»^۳

از این چند نمونه نتیجه می گیریم که موضوع ظهور و قیام مصلح آسمانی مورد قبول و اعتقاد دانشمندان اهل تسنن بوده و آنان در کتابهای خود راجع به موعود اسلام مطالبی نوشته اند و حتی بعضی از آنها کتابهایی را اختصاص بزندگانی مصلح حقیقی، حضرت مهدی ارواحنا فداه داده اند مانند: ۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف حافظ گنجی شافعی ۲- القول المختصر

۱- ترجمه المهدی ص ۱۲

۲- خورشید مغرب ص ۴۹

۳- ترجمه المهدی ص ۸۸

فی علامات المهدی المنتظر تألیف جمال الدین مقدسی
۳- العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف عبدالرحمن سیوطی.^۱

مصلح نماها

با اینکه در معرفی مصلح حقیقی و منجی واقعی این روایات و اخبار و دلیل های روشن و صریح از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده با تأسف باید گفت در طول تاریخ عده ای از هواپرستان و شهرت طلبان برای گمراهی و غافل کردن مردم بتحریک اجانب ادعای قائمیت و مصلح بودن کرده مسلک و مکتب بی اساسی را بوجود آوردند.

همانطور که قبلاً نوشتیم اینان هیچیک از مشخصات و امتیازات مصلح را نداشته و برنامه و کار مهم او انجام نداده اند. با اندک مطالعه در بیوگرافی و شرح حال اینگروه و تأمل در انگیزه و عامل ادعای دروغین اینان معلوم می شود که عدم اطلاع بعضی از مردم و توجه نداشتن به اصل هدف و منظور این مدعیان، سبب گرمی بازار تبلیغ و ترویجشان شده موجب ضلالت و گمراهی گروهی گشته است.^۲

در حالیکه می دانیم در زمان غیبت کبری کسی چنین ادعائی

۱- خوانندگان در این مورد و آشنائی بیشتر می توانند بکتابهای: مهدی در اسلام، نوید امن و امان، دادگستر جهان، ادیان و مهدویت، در فجر ساحل، خورشید مغرب و مشکلات مذهبی روز مراجعه فرمایند.

۲- جهت اطلاع می توانید بکتابهای مزدوران استعمار در لباس مذهب و ارمغان استعمار و غیره در این مورد مراجعه فرمائید.

را داشته باشد بنا به توقیع مصلح اسلام حضرت ولی عصر دروغگو و کذاب است، چنانچه امام عصر در نامه و دستخط شریفش به نماینده چهارم خود نوشت که ترجمه آن چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سَمُری خداوند برادران دینی تو را در مصیبتت اجر و پاداش بزرگ عطا فرماید بدرستی که تو در فاصله شش روز وفات می‌کنی کار خود را منظم نما و آماده باش و باحدی وصیت نیابت ننما که (بعد از وفاتت) جانشین تو شود پس هر آینه غیبت تامه (پنهانی کامل) آغاز گردید و ظهوری جز باجازه خدا نخواهد بود و آن هم بدنبال گذشت زمانی دراز و سختی قلبها و پر شدن زمین از ستم و بیداد است و هر آینه کسانی خواهند آمد که برای شیعیان من دعوی مشاهده^۱ (نیابت خاصه) نمایند، همانا آگاه باشید هر کس چنین ادعائی کند پیش از آنکه سنفیانی خروج کرده و صیحه آسمانی آمده باشد او دروغگو و مفتری است و نیرو و قدرتی جز بخواست خدای بزرگ نمی‌باشد.»^۲

نیمه شعبان میلاد مصلح حقیقی

روزها و شب‌هائی در اسلام شرافت و بزرگی فراوان دارند که در ایام سال بدان عظمت، مشهور و معروف هستند، عظمت و

۱ - منظور از مشاهده در این توقیع شریف حاکی از ادعای نیابت خاصه است که ممنوع شده.

۲ - ترجمه از منتخب الاثر ۳۹۹ و ۴۰۰ (در این ترجمه یک جمله نسخه بدل متن عربی مأخذ مورد نظر بوده است).

بزرگی آنها بواسطه عظمت روحی و والا بودن مقام شخصیت هائی است که در آن ساعات متولد شده‌اند و در طول حیات و زندگی خود سعادت‌ها و رستگاریها و درستی‌ها و همه صفات پسندیده و کمال را بوجود آورده، آفریده‌اند.

وقتیکه یکی از این روزها یا شبها فرا می‌رسد نشاط و سرور معنوی فوق العاده‌ای در انسانهای مسؤول و آگاه ایجاد شده سرور و خوشحالی فراوانی در دل آنان پیدا می‌شود که در دیگر اوقات سال کمتر محسوس می‌باشد.

یکی از این اوقات شریفه و فرخنده شب و روز نیمه شعبان هر سال است که یادآور میلاد مسعود و نورانی مصلح حقیقی، امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد.

در سحر نورانی و لطیف و مصفای نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بود که این شخصیت بزرگوار و این پناهگاه انسانهای مستضعف و این آخرین حجت و سفیر الهی در دامن مقدس و مطهر نرجس خانم ظاهر گشت و غنچه لبانش در آغوش پدرش امام عسکری بتلاوت آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ شکفته شد. پیشانی نورانی روی خاک به سجده نهاد و به قیام و ظهور خود و پر کردن زمین بعدل و داد اشاره کرد آنرا از پیشگاه مقدس خداوند قادر مسئلت نمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ

۱ - آیه ۵ سوره قصص «ما اراده می‌کنیم که منت بگذاریم کسانی را که در روی زمین ضعیف شده‌اند پیشوایان و وارثان قرار بدهیم».

وَظَاتِنِي وَأَمِيلَاءَ الْأَرْضِ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا»^۱

شواهدی راجع به میلاد مصلح

در کتب حدیث و روایت شیعه و سنی دلیلهای فراوانی راجع به تولد مصلح آسمانی آمده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

از امام عسکری (ع):

۱ - محمد بن علی حمزه گوید: از حضرت عسکری شنیدم که می فرمود «ولی خدا و حجت او بر بندگان و خلیفه من در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ بهنگام سپیده دم دنیا آمد»^۲

۲ - شیخ صدوق در کتاب کمال الدین خود از احمد بن حسن قمی روایت می کند که گفت «از مولای ما ابو محمد حسن عسکری نامه ای بجدم رسید که بخط مبارک در آن مرقوم نموده بود «فرزندی برایم زاده شد پس خبرش از مردم پوشیده باشد که آنرا فقط بخویشان نزدیک یا دوستان خاص خود اعلام خواهیم کرد.»^۳

۱ - بحارج ۵۱ ص ۱۳، توضیح آنکه سخن گفتن امام عصر که بقدرت خداوند بستگی دارد چیز سهل و ساده ایست چنانچه حضرت مسیح در کودکی طبق سوره مریم قرآن کریم سخن گفت و همینطور بحضرت یحیی در کودکی حکم پیامبری داده شد (سوره مریم). در میان افراد معمولی بوعلی سینا و علامه حلی و ابن شهر آشوب از شرق و استوارت میل در غرب در کودکی نابغه بودند.

۲ - ترجمه از منتخب الاثر ص ۳۲۰

۳ - ترجمه از کمال الدین باختصار ص ۴۳۳ و ۴۳۴

از اهل سنت:

۱ - ابن صَبَّاح مالکی در فصل دوازدهم کتاب خود
فصول المهمه می نویسد: «ابوالقاسم محمد بن الحسن در سامرا در
نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ.ق. بدنیا آمد.»

۲ - شیخ سلیمان بلخی حنفی معروف بخواجه کلان در ص
۴۵۲ کتاب نیایع الموده می نویسد «پس خبر مسلم و حتمی نزد
معتبرین وثقات، این است که ولادت قائم در شب پانزدهم
شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا واقع گردید.»

آری جهان در سحرگاه درخشان و نورانی پانزدهم شعبان سال
۲۵۵ طراوت روح انگیزی یافت و مشام جان جهانیان از بوی نسیم
حیات بخش رحمانی معطر گشت. در آغوش نرجس بوستان اسلام
غنچه مهدوی شکفته شد در حالیکه لبخند ملکوتی بر لب داشت،
شهر سامرا از سرخی عذارش جاذبیت خاصی گرفت، سروش
غیبی ندا کرد که «جاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ
زَهُوقاً» حق آمد و باطل نابود شد چون باطل نابودشدنی است.

در این شب و روز شیعیان و مشتاقان ظهورش با وجد و سرور
وصف ناشدنی بپا می خیزند و جهت عرض ارادت به پیشگاه
مقدسش آنچنان جشن و چراغانی برپا می کنند که در دگر
روزهای سال نظیر آن دیده نمی شود و با زبان دل می گویند که ای
قلب جهان وای چشمه حیات و زندگی، میلاد با سعادت ترا بزرگ
می داریم و همگان را به قیام تو دعوت می کنیم و عشق و محبت و
انتظار ظهور و قیام ترا در دلهای خود و مشتاقان تو جامی دهیم و
همه چشم براه تو دوخته ایم تا کی جمال ملکوتی خود را آشکارا

بجهانیان و ما بنمایانی و شام فراق و هجران ما را بروز روشن
وصال مبدل سازی، وصال با تو، وصال با حق و عدالت، صلح و
صفا و برادری است که ما در موقعیت کنونی سخت بدان
نیازمندیم.

روز تولد تو ای مصلح ما را بیاد روز قیام شکوهمند و سعادت
آفرینت می اندازد و صبح با صفای نیمه شعبان و سحر نورانی آن در
هر سال صفا و یکرنگی زمان ظهورت را در دلها و خاطره ها زنده
می کند و بروح و جان ما منتظران دم مهدوی ترا می دمد که نه تنها
جسم و کالبد بلکه روح و روان ما نیز به انفاس قدسیه ات نیازمند
است خصوصاً در نظام مقدس جمهوری اسلامی شوق انتظار و
دیدن جمال تابانت بیشتر شده و بگفته امام خمینی قُدَسَ سِرُّهُ
الشریف: «امید است که این انقلاب جرعه و بارقه الهی باشد که
انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و بطلوع فجر
انقلاب مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی
شود.»^۱

انتظار مصلح

می دانیم که این مصلح حقیقی در سال ۲۶۰ ه.ق. بنا به
علتها و مصالحی بامر خداوند منان غیبت اختیار فرمود و هم چون
آفتاب درخشانی در پس پرده غیب^۲ پرتوافشانی می کند و هم اکنون
عالم و عالمیان در انتظار او بسر می برند و دیده براه او دوخته اند که

۱ - از مجله پیام انقلاب شماره ۵۵ ص ۲۸

۲ - در قسمت دوم راجع به غیبت امام عصر بحث می شود.

کی ظهور کند و شمس جمالش عالم تاریک و ظلمانی را بیواسطه
و بی مانع روشن نماید:

جهانی است در انتظار قدمش

براهش بود دوخته چشم کیهان

چند شاهد راجع به غیبت مصلح آسمانی:

۱ - یحیی بن ابی القاسم می گوید بامام صادق عرض کردم
معنی غیب در آیه شریفه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» چیست؟ اما
فرمود «الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»^۱ یعنی غیب همانا حجت
غایب می باشد.

۲ - امام باقر فرمود: «لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا
أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى» یعنی برای قائم آل محمد (ص) دو غیبت
است که یکی از دیگری طولانی تر می باشد.

۳ - حافظ نادره الفلک نطنزی از دانشمندان سنی در کتاب
الیقین خود نقل می کند که پیامبر اکرم بجابر فرمود: «سوگند
پرورد گارم (برای قائم ما غیبتی خواهد بود) که خداوند مؤمنین را
بدان می آزماید و کافران را نابود می کند.»^۲

همانطوریکه ملاحظه فرمودید امام عصر مصلح حقیقی دو
غیبت فرمود که اولی را غیبت کوچکتر (صغری) و دومی را غیبت
بزرگتر (کبری) می نامند مدت غیبت صغری ۶۹ سال بوده است
(از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹) که در این مدت چهارتن از شیعیان خاص

۱ - کمال الدین ص ۳۴۰

۲ - ترجمه از منتخب الاثر باختصار ص ۱۸۸

آن حضرت که پرهیزگار و مورد اعتماد بوده اند به ترتیب به نیابت
خاص آن بزرگوار منصوب شده و عبارت بودند از: ۱- عثمان بن
سعید ۲- محمد بن عثمان ۳- حسین بن روح نوبختی
۴- علی بن محمد سمری

چنانچه قبلاً نوشته شد امام زمان شش روز قبل از وفات نائب
چهارم نوشتند که غیبت کبری (پنهانی کامل) شروع شده، دیگر
برای من نایب خاصی نخواهد بود و هر که ادعای نیابت خصوصی
کند دروغگومی باشد.

باین ترتیب امام عصر (ع) بامر خداوند بزرگ از سال ۳۲۹
غیبت بزرگ خود را آغاز کرده چون آفتاب درخشانی از پس پرده
غیب جهان را روشن می فرماید و تا روز ظهورش که خدا بدان
آگاه می باشد بطور پنهان عالم را زعامت نموده فیض خود را
بانسانها میرساند.

خواست خداوند حکیم این بود که در طول غیبت، مکتب
تربیتی و پرورشی انتظار تأسیس شود تا گروهی از مشتاقان و
منتظران در این مکتب درس عشق و اشتیاق و سوز و هجران و صبر
و تحمل فرا گیرند و هر لحظه و هر ساعت در عشق آن محبوب
آفرینش و آن یوسف عصر بسوزند و خواهان ظهور و قیامش باشند.
مکتب انسان ساز انتظار افراد صالح و شایسته تربیت می کند و
انسانهای نمونه و سمبول خوبیها و درستیهها پرورش می دهد تا یاران
و اصحاب مصلح حقیقی در ایام غیبتش و فداکاران و شهدای
رکابش در ایام ظهور شوند چون که منتظر حقیقی باید خود صالح و
شایسته باشد تا انتظارش از امام مصلح مصداق درست پیدا کند.

«پس انتظار برای بوجود آوردن صلاح و شایستگی، لیاقت، اصلاحات، کار، کوشش، حرکت و امثال آن است انتظار حالت دینامیک جامعه است، نه خاموش نشستن و صبر و حوصله و انتظار کس دیگر که بیاید و کارها را اصلاح کند. ما باید همواره آماده باشیم و چون نمی دانیم که حضرت مهدی کی می آید؟ و این انتظار را پایان کی است؟ باید هر لحظه در این آمادگی باشیم، مردم سرزمینهای اسلام باید چون ارتشی باشند که فرمانده کل قوا چند روزی سفر کرده و گفته است، همینکه رسیدم فرمان پیشروی می دهم و نمی گوید کی می آیم. امام خود در پیام به شیخ مفید فرموده است اگر روش ناهنجار شیعه نبود به سعادت ملاقات ما نائل می شدند.»^۱

آنچه که بیشتر در دوران تربیتی انتظار احساس می شود و در دل انسانهای منتظر پیدا می گردد آنگونه بودن که او بخواهد و بپسندد تا موجب زیارت کردن جمال ملکوتی و دل آرایش و تماشای قامت و قیافه نورانیش گردد که مظهر حسن و زیبایی و کمال صفا تست.

امید و آرزوی ملاقاتش در دل مشتاقان روز بروز زنده می شود و صبر و قرار را از دل آنان گرفته مجنون و شیفته کویش می سازد، آتش عشق باو در درون دل گاهی شعله می کشد و در سر شور و هیجانی ایجاد می نماید و می خواهد انسان را پروانه شمع جمالش سازد که:

۱ - از فجر ساحل ص ۵۳

ای توتیای دیده ما خاک پای تو
وی کنج خلوت دل عالم سرای تو
هر موبتن زبان شده تا از تو دم زند
چون نی پر است هر رگ ما از نوای تو
گاهی برای از دل و در دیده جلوه کن
ای صد هزار دیده و دل مبتلای تو
این نیمه جان که مانده ز تاراج غم بجای
یکبار رونما که بود رونمای تو
سوزد در انجمن دل پروانه جان شمع
بر حال من که سوخته ام در هوای تو^۱

احادیث راجع به فضیلت انتظار

- ۱- رسول اکرم فرمود: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲
یعنی با فضیلت ترین جهاد امت من انتظار فرج است.
- ۲- مولای متقیان در فضیلت انتظار و شخص منتظر فرمود:
«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳
یعنی منتظر امر ما (قیام مصلح منظور است) همانند کسی
است که در راه حق شهید شده در خون خود بغلطد.
- ۳- امام سجاد فرمود «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ
قَائِمِنَا آعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ

۱- از شفق (محمد حسین بهجتی)

۲- تحف العقول چاپ جدید ص ۳۷

۳- کمال الدین ص ۶۴۵

یعنی کسیکه بر اعتقاد بر امامت (ولایت و سرپرستی) ما در زمان غیبت قائم ما ثابت بمائید خداوند متعال با و اجر هزار شهید چون شهیدان بدر و احد عطا می‌کند.

۴ — باز امام چهارم فرمود: آنانکه در زمان غیبت (قائم) بامامتش معتقد بوده منتظر ظهورش می‌باشند برتر و با فضیلت‌تر از مردم هر زمانی هستند... خداوند آنانرا همانند مجاهدین زمان رسول خدا قرار داده است.^۲

۵ — امام صادق فرمود: «کسیکه دوست دارد از یاران قائم باشد باید در حال انتظار بسربرد و عمل نیک و اخلاق پسندیده داشته باشد در این صورت او را منتظر خواهند گفت پس اگر با چنین حالتی بمیرد و امام عصر بعد از مردنش قیام کند برایش پاداش و ثواب کسی است که قائم ما را درک کرده باشد پس کوشش کنید و منتظر باشید که این نعمت عظمی گواریتان باد.»^۳

۶ — هم چنین امام ششم به عمار سباباطی فرمود: عبادت شما در هنگام غیبت امام غائب در دولت باطل با فضیلت‌تر از عبادت در زمان امامت امام ظاهر و حکومت او می‌باشد بدانید کسیکه یک عمل واجب را به نیکوئی در وقتش، بهنگام غیبت امام انجام دهد خداوند برایش ثواب بیست و پنج رکعت نماز فریضه را منظور

۱ — منتخب الاثر ص ۵۱۳

۲ — ترجمه از کمال الدین باختصار ۳۲۰

۳ — ترجمه از بحارج ۵۲ ص ۱۴۰

می‌فرماید و کسی که یک نماز نافله را بوقتش به نیکوئی انجام دهد خداوند متعال برای او ثواب ده رکعت نماز مستحبی می‌نویسد و کسی که یک کار نیک بجا آورد خداوند اجر بیست کار نیک برای او خواهد نوشت.^۱

هشدار به انسان منتظر

ای شیعه تو وظیفه داری که معارف دین و احکام قرآنت را فراگیری و پایه‌های اعتقادی خود را با دلیل و منطق محکم نمائی تا هم خود از خطر انحراف دشمنان عقیده‌ات محفوظ باشی و هم حقایق درخشان اسلام را به دیگران بیاموزی، بخصوص در عصری زندگی می‌کنی که اصول اعتقادات بویژه اصل محکم امامت دستخوش خطر و حمله قرار گرفته است باید با کوشش و جدیت از حریم دینت دفاع کنی و حافظ و پاسدار قرآن و امام زمانت باشی تا گوهر ایمانت مورد دستبرد دزدان دین و شرف که مصلح‌نماها و پیروان دروغین آنان می‌باشند قرار نگیرد از اینجاست که بزرگان دین و پیامبر اکرم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِتَّةً جَاهِلِيَّةً»^۲

یعنی کسیکه بمیرد و امام زمان خود را نشناسد (یک شیعه بی تفاوت و بی مسئولیت باشد) همانند زمان جاهلیت و شرک مرده است.

ای انسان منتظر تو باید محیط را با فداکاری خود بسازی و

۱ - ترجمه مختصر از مکالمات المکارم ص ۱۴۳

۲ - این حدیث هم از پیامبر و هم از بعضی از امامان علیهم السلام نقل شده.

افکار انسانها بویژه گمگشتگان از راه اسلام را روشن نمائی تا برای قیام و حکومت ظاهری امام عصر (ع) آماده شوند و شب و روز منتظر (بمفهوم واقعی انتظار) آن مصلح عالم باشند چنانچه فضای مقدس نظام ما هم اکنون ایجاب می‌کند. (منظور نظام جمهوری اسلامی است).

تو در مکتب امامی تربیت شده‌ای و دم از محبت و پیروی رهبری می‌زنی که زبان و چشم و قلب ترا مسئول و موظف قرار داده چنانچه فرمود:

«مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُتَكْرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ»^۱

یعنی کسیکه کار زشت و ناروا را با قلب و زبان و دستش زشت و ناپسند نشمارد و نهی از بدی را ترک کند چون مرده‌ای بین زندگان می‌باشد.

ای شیعه، پیامبر اکرم ترا دیده‌بان و ناظر کار انسانها قرار داده، در راهنمایی دیگران و ارشاد گمگشتگان موظف ساخته است اگر تو این وظیفه خطیر و سنگین را ابلاغ نکنی و بی تفاوت باشی بمنطق آن بزرگوار، یک مؤمن ضعیف و بیچاره‌ای هستی که گویا دینی و ایمانی برای تو نیست، چنانچه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ وَمَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ (ص) الَّذِي لَا يَتَّهَىٰ عَنِ الْمُتَكْرِ»^۲

۱ - مجموعه الاخبار ص ۲۳۱

۲ - مجموعه الاخبار ص ۲۳۱

یعنی هر آینه خداوند مؤمن ضعیفی را که دین ندارد دشمن دارد، پرسیده شد که مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود آنکه از زشتی جلوگیری نمی‌کند.

ای منتظر امام عصر تو وظیفه داری که نسبت بآن بزرگوار شناخت حقیقی پیدا کنی آن شناختیکه شور و هیجان و حرکت و کوشش در تو ایجاد کند و ترا برای اصلاح محیط و پاک کردن روح انسانها و شناساندن امام زمان ب دیگران آماده نماید.

تو خود باید در محیط کار و زندگی مکتب انتظاری تأسیس کنی و به ترتیب و پرورش هم‌نوعان خود مشغول شوی، تو هر که هستی و در هر مقامی بسر می‌بری بدین وظیفه مهم قیام نمائی و با یک دنیا عشق و امید و کوشش مداوم خستگی ناپذیر افکار برادرانت را بنور اسلام و قرآن روشن سازی و دل‌های آنان را به محبت و عشق مولای عالم حضرت حجة بن الحسن العسکری مالا مال گردانی.

تو باید همانند مجاهدین صدر اسلام و بزرگان دین چون ابی ذر و سلمان و حُجر بن عدی و بلال حبشی و عمرو بن جَمَق خزاعی و زید بن علی بن الحسین و دیگر مفاخر تشیع^۱، اولاً در مکتب انتظار تربیت شوی و روح و روانت را با آب زلال توحید و محبت اهل بیت صفا بخشی، ثانیاً در راه بیداری افکار جامعه و توجه دادن به ظهور و قیام آن بزرگ مصلح سراپا بکوشی که اگر در این راه مقدس عمرت را بسر آوری بفرموده امام صادق (ع) همانند کسی

۱ - فداکارهای مردم شهیدپرور و ایشارهای خارج از وصف رزمندگان در جبهه‌های جنگ تحمیلی شاهد روشن و گویای این مدعاست.

هستی که در سراپرده نورانی امام عصر ارواحنا فداه بسر می برد.^۱
شب و روز تو باید بانتظار و خدمتگزاری او بسر آید و هر وقت
که چشم بافق نورانی صبحگاه می اندازی یاد زندگانی در افق
حکومت ملکوتی امام زمان به سرور و نشاطت در آورده شور و
هیجانی در تو ایجاد کند که همانند یعقوب منتظر، آنی چشم از راه
یوسف خود فرو نبندی. و لحظه ای یاد او را فراموش نکنی.

آیا می دانی در انتظار کسی بسر میبری که همه پیامبران و
امامان مشتاق لقای جمال نورانی او بودند. آیا توجه داری که در
این عصر غیبت بخدمتگزاری شخصیتی مشغول هستی که امام
چهارم دیدن قیافه او را از خدا آرزو می کرد، آیا می دانی در انتظار
قائم و مصلحی هستی که امام رضا پیشوای هشتم (ع) وقتی لقب
مخصوصش را در مجلس خود می شنید بتمام قامت می ایستاد و در
پیشگاه خداوند در حالیکه دست مبارک روی سرمی گذاشت
عرض می کرد «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^۲

حسن ختام آنکه از یک پیام امام امت خمینی کبیر قدس سره
استفاده شده است که: «این انقلاب به عنوان فیض خداوندی
بتوسط حضرت حجة بن الحسن به ما ارزانی شده است».

از مجله پیام انقلاب شماره ۸۰ صفحه ۴

۱- ترجمه از منتخب الاثر ص ۴۹۵

۲- دادگستر جهان ص ۱۴۵

قصیده‌ای در قیام شکوهمند امام عصر (ع)

صاحب عصر و زمان آید همی
آفتاب پرفروغ مهدوی
حجت حق شاهکار صنع حق
مژده‌ای بیچارگان بی‌پناه
مژده‌ای مرضای روحی در جهان
غم مخور ای منتظر کز لطف رب
میرسد صبح سعادت یک زمان
میرسد یک روزگار با شکوه
از برای عالم پر از ستم
مژده‌ای مظلوم محروم پریش
داد گستر، مهربان با اقتدار
ای زمین بر خود بیال و شاد باش
مکه‌ای شهر امان شادی‌نما
کعبه‌ای بیت الشرف بیت خدا
افتخار تو همین بس سوی تو
آیت حق را بخواند دل نشین
ای مدینه شاد باش و شادزی
کوفه سرتاسر بشو غرق نشاط
آن زمانیکه کند مصلح ظهور
کای همه اهل جهان شادی کنید
قائم آل محمد (ص) ز امر حق

عالمی را روح و جان آید همی
از پس پرده عیان آید همی
سرور انسان و جان آید همی
مُنجی مستضعفان آید همی
آن طیب مهربان آید همی
عاقبت ما را شبان آید همی
عالمی چون بوستان آید همی
روشنی بخش جهان آید همی
داد گستر حکمران آید همی
آن مُبید ظالمان آید همی
مصلح کل بی‌گمان آید همی
باسط عدل و امان آید همی
سوی تو روح و روان آید همی
مر ترا یک میهمان آید همی
مهدی شیرین زبان آید همی
زان ندا عالم تکان آید همی
میر عالم شادمان آید همی
شمس مستور و نهان آید همی
صیحه‌ای از آسمان آید همی
مهدی صاحب زمان آید همی
بهر اصلاح جهان آید همی

مُحییی اسلام و قرآن کریم
چشمتان روشن که از لطف خدا
همچو داوود و بَراهیم و مسیح
نور چشم مصطفی و مرتضی
آنکه باشد یادگار عسکری
آنکه باشد طالب خون حسین

هم چو آب حَیوان آید همی
پیشوای کامران آید همی
باقضاء و با بیان آید همی
انبیاء را آرمان آید همی
با علائم با نشان آید همی
بهر قتل دشمنان آید همی^۱

قسمت دوم: بحثی کوتاه در علل غیبت وجود مقدس امام عصر (عج) مقدمه:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَلِلّٰهِ غَیْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

هود / ۱۲۳

سپاس و ستایش مخصوص پروردگاریست که برای هدایت و نجات انسانها از آلودگیهای اخلاقی، انبیاء عظام و رسولان برحق را برانگیخت و چراغ فروزان و درخشان رهبری و رسالت را بدست با کفایت آنان داد تا راه تاریک بشر را بوسیله آن روشن کرده بسعادت و کمال راهنمائیش نمایند. و پس از بعثت آخرین رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه وآله و امامت و پیشوائی یازده جانشین گرامیش که ستارگان تابناک آسمان اسلام بوده اند برای دوازدهمین امام که آخرین حجت اوست (حضرت حجة بن الحسن علیه السلام) غیبت مقدر و مقرر فرموده وجود مقدسش را همانند آفتاب نورانی پس پرده ابرقرار داده تا روزی با ظهور و قیامش روزگار دَیْجور و ظلمانی بشر را بنور عدل و داد روشن نماید و بزندگی و حیات آدمیان حیات و صفا و طراوت ببخشد.

از آنجائیکه باید همیشه در میان بشر و در روی زمین امامیکه حافظ و نگهبان شریعت مقدس اسلام و راهنمای معنوی انسانهاست باشد و هیچگاه زمین از وجود پرفیض و سعادت آفرین

او خالی نماند، خداوند مهربان آخرین امام و حجت را که حضرت مهدی فرزند امام یازدهم می باشد در پس پرده و حجاب غیبت قرار داده جهانیان را در این زمان از وجودش برخوردار می کند و انسانها را از فیض و هدایت باطنی و معنوی او بهره مند می فرماید تا روزیکه مقرر کند این امام پنهان و غایب چون شمس فروزان پس ابر، جمال نورانی و درخشنده خویش را ظاهر نموده ظلمت و تاریکی را از بین ببرد و یک نفس حیات بخش و روح افزا به کالبد فسرده جهان و انسانهای مستضعف و ستمکش بدمد. و حیات و زندگی حقیقی در سایه رهبری و حکومت خویش ایجاد نماید.

وجود امام برای جهان لازم است

بنا بدلیلهای عقلی و نقلی همیشه باید از طرف خداوند مهربان یک انسان برجسته و جامع کمالات که او را امام و حجت بر حق می دانیم در جهان و در میان افراد بشر باشد تا لطف و رحمت الهی را بسبب قرب و منزلتی که در پیشگاه خدا دارد بین مخلوقات و بویژه انسان پخش و منتشر کرده کاروان انسانیت را رهبری نماید. این انسان نمونه و برگزیده از جانب پروردگار و انتخاب شده از طرف رسولش چه آشکار و پیدای و چه غایب و پنهان از نظرها، رشته هدایت و ارشاد را در همه زمانها بدست دارد و قافله بشر را همیشه راهنمایی می کند.

همانطور که آفتاب و ماه برای بقاء حیات و زندگی همه موجودات ضروری هستند و نقش عظیمی در پرورش و تربیت مخلوقات دارند امام نیز در تربیت روح و پرورش روان انسانها

نقش فراوانی داشته وجودش همه وقت لازم خواهد بود چنانکه
مولای متقیان در نهج البلاغه می فرماید:

اللَّهُمَّ بَلِيَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا
مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ»^۱

یعنی ای خداوند این چنین است که زمین از حجت و
قیام کننده ای که از جانب تو باشد، خالی نماند چه آنکه (آن حجت
و امام) ظاهر و آشکار بوده یا پنهان و مستور، تا نشانه ها و دلیلهای
وجود تو باطل نشود، (بعبارت بهتر مردم عذر و بهانه ای نداشته
باشند)

هم چنین امام هشتم علیه السلام در بیان مفصل و شریف خود
راجع به مقام امام می فرماید:

«الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ... الْإِمَامُ
الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَالسَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَالنُّورُ السَّاطِعُ وَالنَّجْمُ الْهَادِي فِي
غِيَابِ الدُّجَى...»^۲

یعنی امام همانند خورشید درخشان و فروزان است که نورش
عالم را فرا گرفته، امام همانند ماه تابان و چراغ فروزان و نور
درخشان و ستاره هدایت کننده در شدت تاریکیها می باشد.
بنابراین هیچگاه نباید انسانها بدون رهبر و امام زندگی نمایند
آنگونه که نمی توانند بدون آفتاب و ماه زندگی کنند و زمین هم
نباید بدون حجت و پیشوا بماند، تا انسان وجود دارد نیاز با امام و
هادی از از طرف خداوند کاملاً محسوس و مشهود است و نبودن

۱ - ج ۶ خطبه ۱۳۹ ترجمه فیض الاسلام

۲ - کافی ج ۱ ترجمه مصطفوی ص ۲۸۶ (حدیث شریف و مفصلی است).

امام در میان بشر و در پهنه زمین موجب می شود که دگرگونی فاحشی در نظم جهان بوجود می آید همانطور که نبودن آفتاب و ماه سبب می گردد که اختلالی عجیب و خطرناک در زیستگاه خلقت و هستی پیدا شود، بعبارت روشن تر زندگی و حیات بدون امام و حجت میسر نخواهد بود چنانچه امام باقر (ع) می فرماید:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِيهِ»^۱

یعنی هرگاه وجود امام لحظه و ساعتی از روی زمین برداشته شود، زمین ساکنان خود را در موج و تلاطم قرار می دهد همانگونه که دریا اهلش را در طوفان خود فرو می برد.

بنا به دلایل فراوان که در آینده به بعضی از آنها اشاره می کنیم آن پیشوای غایب و آن امام برحق مستور، تنها امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی است که هم اکنون دور از نظرها بسر می برد و وجود گرامی و عزیزش چون خورشید فروزان برای موجودات بخصوص انسانها لازم و ضروری است.

بدیهی است که یازده امام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی پس از دیگری بامر پروردگار امت پیامبر را رهبری و هدایت فرمودند و هرکدام که به شهادت می رسیدند بلافاصله امام دیگر به ارشاد و زعامت جامعه اسلامی و انسانی قیام می کرد تا انسانها طبق مطالب گذشته بدون پیشوا و امام نمانند و زمین بی حجت نباشد.

۱ - کافی ترجمه مصطفوی ج ۱ ص ۲۵۳

پس از رحلت امام عسکری علیه السلام نوبت به آخرین امام، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه رسید که بامر خداوند قادر و حکیم و روی مصالحتی که بزودی بیان می شود غیبت اختیار فرموده امت اسلامی را از پشت پرده غیبت هدایت و رهبری می نماید و فیضش را به همه مخلوقات از جانب پروردگار فیاض می رساند تا زمانیکه خدایش می داند بطور مستور و پنهان زندگی می کند و پس از پایان غیبت بامر حق ظاهر می شود و با قیام شکوهمند خویش بطور آشکار و پیدا به حکومت عدل پرداخته، ظلم و ستم برانداخته، پهنه زمین و شرق و غرب آنرا بنور عدالت و داد گستری روشن و درخشان می نماید. بامید آن روز نورانی و آن لحظات و ساعات پر برکت و پرفیض همه ماها بسر می بریم. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ.**

معنی لغوی غیبت

طبق نوشته دانشمندان لغت و تفسیر، کلمه غیب، مصدر بمعنی دور از نظر بودن می باشد بعبارت دیگر هر چیزیکه از چشم ما پنهان بوده و دور از قوه دید ما قرار بگیرد بطوریکه او را نتوانیم ببینیم، میگوئیم غایب و پنهان از ماست. چنانچه در کتاب مشهور لغت (المنجد) زیر ماده غیب می نویسد: «بَعُدَ عَنْهُ وَبُأَيِّنُهُ» یعنی غیب باین معناست که چیزی یا کسی از دیگری دور و جدا باشد. بعد برای توضیح معنی مثالی می آورد باین ترتیب (غَابَتِ الشَّمْسُ): «غَرُبَتْ وَاسْتَتَرَتْ عَنِ الْعَيْنِ»: شمس غایب شد، یعنی غروب نموده از چشم پنهان گشت.

مسلم هر چیزیکه غروب می‌کند بحسب ظاهر با چشم سر نمی‌شود آنرا دید لذا موجود غایب بموجودی گویند که وجودش قطعی و روشن بوده اما از نظر و چشم ظاهری ما پنهان است.

در کتاب قاموس قرآن ج ۵ ص ۱۳۳ در معنی کلمه غیبت می‌نویسد: نهان، نهفته، هر آنچه از دیده یا از علم پنهان است، ارباب لغت گفته‌اند:

«الْغَيْبُ: كُلُّ مَا غَابَ عَنْكَ»

یعنی غیب هر چیز است که از تو پنهان بماند خداوند در سوره بقره آیه ۳۳ می‌فرماید: إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. یعنی من نهان آسمانها و زمین را می‌دانم. بخداوند و فرشتگان و ارواح، بهشت و قیامت که غایب از نظرها هستند نیز غیب می‌گویند در تفسیر برهان از امام صادق علیه السلام مروی است که درباره «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» فرمود «مَنْ آمَنَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ» به غیب ایمان می‌آورند یعنی بقیام قائم علیه السلام مؤمن هستند.

مفسر بزرگ شیعه مرحوم شیخ طبرسی در معنی کلمه غیب می‌نویسد «... وَأَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ كُلُّ مَا غَابَ عَنْكَ وَلَمْ تَشْهَدْهُ...»^۱ یعنی غیب عبارت از هر چیز است که از تو پنهان و غایب بوده بطوریکه آنرا مشاهده نکنی هم چنین در فرهنگ فارسی راجع به معنی غیب نوشته شده: «ناپیدا، مخفی، غایب» و در معنی کلمه غیبت آمده: «دور شدن مقابل حضور، نهان بودن امام... نزد شیعه اثناعشری، پنهان بودن امام دوازدهم از انظار»^۲

۱- مجمع البیان ج ۱ ص ۳۸

۲- تألیف دکتر معین ج ۲ ص ۲۴۵۶

مرحوم ابوالفتوح رازی مفسر عالیقدر شیعه در تفسیرش می نویسد: «ایمان به غیب آن باشد که ایمان آورد به خدای عزوجل و فرشتگان و کتابهایش و پیغامبرانش و قیامت و بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب و نشور که این همه غیب است... در تفسیر اهل البیت علیهم السلام می آید که مراد به غیب مهدی امت است که غیب است از دیدار خلقان...»^۱

نتیجه آنکه کلمه غیب و غیبت بمعنی پنهان بودن و دور از نظر زندگی کردن می باشد و غایب هم یعنی مستور پنهان، ناپیدا.

چگونگی غیبت امام زمان علیه السلام

طبق فرموده و پیش بینی رسول اکرم و امامان بزرگوار شیعه امام دوازدهم بامر خداوند متعال و بنا به مصلحت‌هاییکه در آینده به بعضی از آنها اشاره می شود، غیبت اختیار فرموده مدتی از نظر مردم زمان خویش پنهان خواهد بود.

موضوع غیبت امام زمان علیه السلام را یاران پیامبر اکرم و اصحاب امامان و شیعه می دانستند. حتی گاهی از علت و فلسفه آن سؤال می نمودند و از پیشوای خود جواب‌هایی دریافت می داشتند. بخصوص دو امام بزرگوار (حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام) که بزمان غیبت امام عصر نزدیکتر بودند، موضوع غایب شدن امام دوازدهم را بیارانشان فرمودند.^۲ دانشمندان والا مقام شیعه در کتب تفسیر و حدیث و تاریخ نوشتند که معتمد

۱- ج ۱ ص ۶۴ تصحیح مرحوم شعرانی

۲- در این مورد بکتاب بحار و کمال الدین و منتهی الامال مراجعه فرمائید.

عباسی خلیفه ستمگر می دانست که امام عصر براندازنده دستگاه ظلم و ستم، فرزند بلافصل امام یازدهم حضرت عسکری می باشد، با تمام قدرت کوشید تا امام زمان را پس از تولد نابود کند. اما پروردگار قادر و توانا همانگونه که حضرت موسی نجات دهنده بنی اسرائیل را از خطر فرعون ستمکار نجات داد، حضرت حجت را نیز از شر و گزند خلیفه عباسی و مأمورین ستمگرش حفظ فرمود، آنچنانکه حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بدون توجه ستمگران از مادر پا کدامنش نرجس خاتون متولد شد. چه خوبست باین آیه قرآن کریم که نشان دهنده عظمت و قدرت خدای قادر است توجه کنیم که می فرماید:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱

یعنی کسانی که بخواهند نور خدا را با دهنهایشان خاموش کنند (نمی توانند) زیرا که خدا کامل کننده نور و روشنی خود می باشد اگر چه کافران ناراحت و ناراضی باشند.

در مورد میلاد امام زمان و عدم توجه مأمورین خلیفه عباسی بجریان ولادتش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زمانیکه فرعون متوجه شد نابودی و زوال دستگاه سلطنتش بدست حضرت موسی خواهد بود دستور داد که کاهنان و جادوگران احضار شوند تا او را به مشخصات و حسب و نسب موسی مطلع کنند. آنان نیز اظهار داشتند که موسی از قبیله بنی اسرائیل خواهد بود، فرعون برای کشتن موسی حدود بیست هزار کودک را

۱ - سوره صف آیه ۸

کشت تا گمان کرد که نجات دهند بنی اسرائیل و براندازنده حکومت ستمگرانه او نیز از بین رفته است ولی نتوانست به موسی دست یابد تا او را از بین ببرد چون خداوند متعال و مهربان موسی را از چنگال او نجات داده حفظ فرمود، همین طور بنی امیه و بنی عباس چون متوجه شدند که نابودی سلطنت و حکومت آنان و ظالمان دیگر بدست قائم ما خواهد بود بدشمنی با ما برخاستند و شمشیرها برای کشتن فرزندان رسول بیرون آوردند تا باین ترتیب بتوانند به قائم دست یافته نابودش کنند اما خداوند نخواست تا احدی از ستمگران بکارش (در مورد قائم) مطلع شود مگر اینکه نورش را کامل و تمام می‌کند اگر چه مشرکان نخواسته باشند.^۱

امام زمان مدت پنج سال بطور خصوصی با پدر عزیزش زندگی کرد و عده‌ای از یاران نزدیک امام یازدهم او را در این مدت زیارت کردند و بامامتش معتقد شدند چنانچه احمد بن اسحاق یکی از اصحاب نزدیک حضرت عسکری می‌گوید: «خدمت امام یازدهم شرفیاب شدم تا راجع به جانشین بعد از او سؤال کنم قبل از اینکه شروع به سخن نمایم امام عسکری مطالبی راجع به لزوم وجود امام در هر عصر و زمان ایراد فرمود تا اینکه من از آن حضرت پرسیدم پس امام و خلیفه بعد از تو کیست؟ آنگاه حضرت بشتاب بلند شده باطاق خصوصی خود تشریف برده پسر بچه سه ساله‌ای را که صورتش ماننده ماه شب چهارده بود آورد و بمن نشان داده فرمود ای احمد اگر پیش ما و خدا گرامی نمی‌بودی پسر مرا بتو نشان

۱ - ترجمه از کمال الدین چاپ مکتبه الصدوق ص ۳۵۴

نمی‌دادم، او هم نام و هم گنیه رسول خداست که زمین را بعدل و داد پر می‌کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده باشد سوگند بخدا که او غیبت طولانی می‌کند...»^۱

هنگامیکه امام یازدهم رحلت فرمود (ربیع الاول سال ۲۶۰ ه.ق) فرزند عزیزش امام زمان علیه السلام بر جنازه پاک و مطهر پدر نماز گزارد و او را در نزدیکی قبر جدش حضرت هادی علیه السلام دفن فرمود، سپس به سئوالات شیعیان جواب داده مشخصات بعضی از دوستان را که خمس مالشان را به سامره فرستاده بودند بیان فرمود که مسأله امامت آن حضرت بر همگان بخصوص شیعیان دور و نزدیک روشن گشت و در همین لحظه جعفر کذاب عموی آن حضرت به معتمد عباسی خلیفه ستمگر وقت گزارش کرد، خلیفه نیز عده‌ای را بدستگیری و کشتن حضرت مهدی مأمور کرده حتی مادر حضرت را وسیله قاضی مخصوصش مورد بازجوئی قرار داد. در این زمان بود که بامر پروردگار متعال امام عصر از انظار پنهان شده غیبت اختیار فرمود.^۲

اصالت غیبت امام عصر از نظر قرآن و احادیث

برای اینکه به علت و فلسفه غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پی ببریم بهتر است که قبلاً در اصل مسأله غیبت مطالبی را متذکر شویم:

۱ - کمال الدین ص ۳۸۴

۲ - بحار ج ۵۰ ص ۳۳۲ و ۳۳۳ و منتهی الامال ج ۲ ص ۲۷۶

بدیهی است که برای حضرت حجت علیه السلام دو غیبت رخ داده است اولی: غیبت صغری (زمان کمتر و کوتاهتر) که از سال ۲۶۰ ه.ق پس از وفات پدر بزرگوارش شروع شده تا سال ۳۲۹ طول کشیده است (۶۹ سال).

در این مدت چهارنایب خاص که به نواب اربعه (نمایندگان چهارگانه) معروفند واسطه بین شیعیان و امام زمان بوده اند عبارتند از:

اول عثمان بن سعید، دوم محمد بن عثمان، سوم حسین بن روح نوبختی، چهارم علی بن محمد سمري، این چهار نفر از بزرگان زمان غیبت صغری بوده اند که در جلالت شأن و مقام بین شیعه معروف و مشهورند و در بزرگواری و عظمت مقامشان همین بس که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آنان را به نیابت و نمایندگی خصوصی خویش معین فرمود.^۱

بنا بر توقیع و دستخط شریفی که امام عصر علیه السلام برای نایب چهارم ارسال فرمود موضوع نیابت خاصه پس از مرگ علی بن محمد سمري چهارمین نماینده خاتمه یافت و باب و در ارتباط خصوصی با امام زمان بسته شد. از آنجائیکه این توقیع شریف با اهمیت است اصل و ترجمه آن در اینجا آورده می شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيِّ أَكْبَرِ
اللَّهُ أَجْرًا خَوَانِكَ فَيَكُ فَا نِكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ
فَأَجْمَعُ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِي إِلَيَّ أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ

۱- شرح حال آنان در بحار و منتهی الامال و کتب دیگر رجال آمده است.

فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الْتَامَةً فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ
وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَأَمْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا
وَسَيِّئَاتِي لِشِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِي
وَالصَّيْحَةِ وَهُوَ كَذَابٌ مَفْتَرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ»^۱

یعنی بنام خداوند بخشنده مهربان: ای علی بن محمد سمی
خداوند پاداش برادرانت را درباره (مصیبت) توزیاد گرداند که تو
در فاصله شش روز دیگری می میری کارت را منظم و روبراه ساز و
به کسی سفارش نکن تا بعد از وفاتت جانشین تو شود چون غیبت و
پنهانی تام و کامل آغاز شد و از این پس (برایم) ظهوری نخواهد
بود مگر اینکه خداوند متعال اجازه فرماید. البته آنهم پس از زمانی
دراز و سختی دلها و پر شدن زمین به جور و ستم می باشد و زود
است که کسانی برای شیعه من ادعای مشاهده مرا قبل از خروج
سفیانی و صیحه و ندای آسمانی^۲ می نمایند (متوجه باشید هر که
چنین ادعائی کند) همانا او دروغگو و افترا زننده است هیچ قدرتی
نیست مگر آنکه از آن خداوند بلند مرتبه و عظیم خواهد بود.^۳

دوم: غیبت کبری (مدت طولانی تر) که از سال ۳۲۹ با وفات
نایب چهارم شروع شده تا روز ظهور آن بزرگوار ادامه دارد و در این

۱- منتخب الاثر ص ۳۹۹ و ۴۰۰

۲- خروج شخصی مشهور به سفیانی و ندای آسمانی از علائم قبل از قیام امام
عصر می باشد.

۳- باید دانست منظور از مشاهده در این جا دیدن امام بطور شناسائی همراه با
ادعای نیابت می باشد که نهی شده.

مدت طولانی نایب خاصی برای حضرت نخواهد بود و امور مذهبی و شرعی به نواب عام که مجتهدین والا مقام و مراجع عالیقدر شیعه می باشند محول شده چنانچه امام عصر علیه السلام در توفیع شریفش بیکی از دوستان و اصحاب خود مرقوم فرمود:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۳

یعنی در حوادث و جریانهای که پیش می آید به روایت کنندگان حدیث ما مراجعه نمائید که آنان حجت و دلیل از طرف من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشان هستم. (منظور مراجع بزرگ تقلید هستند)

سه شاهد قرآنی راجع به غیبت امام زمان

در قرآن شریف آیاتی راجع به غیبت امام زمان ارواحنا فداه تفسیر شده که در اینجا بذکر سه نمونه از آن اکتفا می کنیم:

۱ - بقره آیه ۴: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»

یعنی کسانی که به غیب ایمان دارند. یحیی بن ابی القاسم از امام صادق علیه السلام راجع به معنی این آیه سؤال کرد امام فرمود: «الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»^۱ یعنی منظور از غیب همانا حجت و امام پنهان و غائب می باشد.

۲ - زحرف آیه ۲۸: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۳ - منتهی الامال ج ۲ ص ۳۴۶

۱ - کمال الدین ص ۳۴۰

یعنی قرار داد آنرا سخنی باقی و استوار در پشت نسلش که امید است برگردند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که در شرح این آیه فرمود «فینا نزلت هذه الآية وجعل الله الإمامة في عقب الحسين إلى يوم القيمة وإن للقيام من غيبتين إحداهما أطول من الأخرى فلا يثبت على إمامته إلا من قوى يقينه وصحت معرفته»^۱

یعنی این آیه درباره ما نازل شده است خداوند امامت را در پشت و نسل حسین تا روز قیامت قرار داد به درستی که برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است و بر امامت او ثابت قدم و استوار نمی ماند مگر آنکه یقین کامل و معرفت صحیح و درست داشته باشد.

۳ - تکویر آیه ۱۵ و ۱۶: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ»

یعنی سوگند به ستارگان حرکت کننده پنهان شونده. ام هانی می گوید از امام باقر علیه السلام در معنی این آیه سؤال نمود فرمود: «إِمَامٌ يُخْنِسُ فِي زَمَانِهِ عِنْدَ انْقِضَاءِ مِنْ عِلْمِهِ سَنَةٌ سَتِينَ وَمَاتَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَقَادِ فِي اللَّيْلِ فَإِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ قَرَّتْ عَيْنَاكَ»^۲

یعنی مقصود امامی است که در سال ۲۶۰ خود را از مردم پنهان می کند (بطوریکه افراد نمی دانند او کجاست) سپس همانند

۱ - منتخب الاثر ص ۲۵۱

۲ - کمال الدین ص ۳۲۵

ستاره فروزان در تاریکی شب ظاهر و آشکار می‌گردد و اگر تو آنزمان را درک کنی چشمت روشن خواهد شد.

گفتار معصومین در غیبت امام

پیامبر اکرم و ائمه طاهرین راجع به غیبت و پنهان زندگی کردن امام دوازدهم بیانات فراوانی دارند که به بعضی از آنها در اینجا اشاره می‌شود امید است که موجب روشنی قلب مشتاقان و علاقمندان ظهور امام و مایه بصیرت و تنبّه افراد منصف که در مسلک دیگری هستند باشد.

۱ - از رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي،
اَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقاً وَ خُلُقاً، تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا
الْاُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»^۱

یعنی مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کینه او کینه ام می‌باشد، شبیه‌ترین مردم از جهت آفرینش و اخلاق بمن است برایش غیبت و حیرتی است که گروه‌هایی در آن زمان گمراه می‌شوند سپس همانند ستاره پرفروغ آشکار می‌گردد و زمین را بعدل و داد پر می‌کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده است.

۱ - کمال الدین ص ۲۸۶

۲ - از امیرالمؤمنین علیه السلام:

«... لِلقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً أَمَدُهَا طَوِيلٌ... أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَقِسْ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»^۱ یعنی برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی می باشد. پس هر که بردنیش ثابت بماند و قلب او بجهت طولانی شدن مدت غیبت امامش متزلزل نگردد روز قیامت با من در رتبه ام خواهد بود.

۳ - از سیدالشهداء علیه السلام:

«إِصْحَابُ هَذَا الْأَمْرِ يَعْنِي الْمَهْدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْبَتَانِ إِحْدَيْهِمَا تَطَوَّلَ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَا...»^۲ یعنی برای صاحب امر که منظور مهدی علیه السلام است دو غیبت می باشد که یکی از آن دو بقدری طولانی می شود تا بعضی می گویند^۳ او وفات کرد!

۴ - از امام صادق علیه السلام:

«لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَيْهِمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ»^۴ یعنی برای قائم ما دو غیبت است که یکی طولانی و دیگری کوتاه مدت است.

۱ - کمال الدین ص ۳۰۳

۲ - منتخب الاثر ص ۲۵۳

۳ - گویا منظور امام افراد سست ایمان و غیر شیعه می باشد.

۴ - منتخب الاثر ص ۲۵۱

۵ - از امام هشتم علیه السلام:

«رِیَانِ بْنِ صَلْتٍ مِیْ گَوِیْدِ بِاِمَامِ هِشْتَمِ عَرَضَ کَرْدَمُ اَیَا شَمَا صَاحِبِ اَمْرِ هَسْتِیْدِ حَضْرَتِ فَرْمُودَ مِنْ صَاحِبِ اَمْرِ شَمَا مِیْ بَاشَمَ لَیْکِنَ مِنْ اَنْ کَسِیْ نِیْسْتَمَ کِهَ زَمِیْنِ رَا پَسَ اَزِ پَرِشْدَنَ بِهَ ظَلْمِ وَ جُورِ بَعْدَلِ وَ دَادِ پَرِ کَنَمَ چِگُوْنَهَ بَاشَمَ دَرِ حَالِیْکِهَ نَا تَوَانِیْ وَ ضَعْفِ جِسْمِ مَرَا مَشَاهِدَهَ مِیْ کَنِیْ، هِمَا نَا اَنْ کَسِیْ اَسْتِ کِهَ وَ قَتِیْ خُرُوجِ مِیْ کَنْدِ دَرِ سَنِ پِیْرَانِ وَ دَرِ صُورَتِ وَ چِهْرَهَ جَوَانَانِ مِیْ بَاشَدِ (دَارَایِ عَمْرِ طَوْلَانِیْ اَسْتِ اَمَا اَزِ رَخْسَارِ وَ سِیْمَایِ جَوَانِیْ بَرِخُورْدَارِ اَسْتِ) اَوْ چِهَارْمِیْنِ فَرَزَنْدَمِ مِیْ بَاشَدِ کِهَ خَدَاوَنْدِ تَا هَرِ وَ قَتِ بَخُوَاهَدِ اَوْ رَا دَرِ مِیَانِ پَرْدَهْ اَیِ (اَزِ غِیْبِ) پَنْهَانِ وَ غَایِبِ مِیْ نَمَایْدِ سِپَسِ اَوْ رَا ظَاهَرِ وَ اَشْکَارِ مِیْ کَنْدِ وَ بِهَ سَبِیْشِ زَمِیْنِ رَا بِهَ عَدَلِ وَ دَادِ پَرِ مِیْ کَنْدِ اَنْگُوْنَهَ کِهَ بِهَ جُورِ وَ سْتَمِ پَرِ شَدَه.»^۱

از امام جواد علیه السلام:

در ضمن حدیثی معتبر از صقر بن ابی دلف نقل شده که می‌گوید بامام جواد عرض کردم چرا قائم را منتظر گویند و باین لقب مسمی شده حضرت فرمود: «لَاَنَّ لَهُ غَیْبَةً یَکْثُرُ اَیَامُهَا

۱ - کمال الدین ص ۳۷۶ «عَنْ رِیَانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ قُلْتُ لِتَرْضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ: اَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْاَمْرِ فَقَالَ اَنَا صَاحِبُ الْاَمْرِ وَلَکِنِّیْ لَسْتُ بِاَلَّذِیْ اَمَلْتُهَا عَدْلًا کَمَا مُلِیْتُ جُورًا وَ کَیْفَ اَکُوْنُ ذَلِکَ عَلٰی مَا تَرٰی مِنْ ضَعْفِ بَدْنِیْ وَ اَنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِیْ اِذَا خَرَجَ کَانَ فِی سِنِّ الشُّیُوْخِ وَ مَنظَرِ الشُّبَّانِ... ذَاکَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِیْ یُغَیْبُهُ اللهُ فِی سِتْرَةٍ مَا شَاءَ ثُمَّ یُظْهِرُهُ فِیْمَلَأُ بِهِنَّ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مُلِیْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا.»

وَيَطْوُلُ أَمَدَهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُتَكِرُهُ
الْمُرْتَابُونَ...»^۱

یعنی برای اینکه غیبتی برایش می باشد که ایامش دراز و زیاد
و مدتش طولانی خواهد شد افراد با اخلاص در انتظار خروج و
قیامش بسر می برند و اشخاص کافرو شک کننده انکارش
می نمایند.

۷ - از امام عسکری علیه السلام:

«... إِنَّ لِي وَلَدِي غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ»^۲

یعنی برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن شک و تردید
می کنند مگر آنکه خداوند متعال او را حفظ و نگهداری کند (ایمان
و اعتقاد او را درباره امام زمانش ثابت بدارد)

۸ - همچنین در محضر نورانی امام عسکری سؤال شد آیا این
حدیث و سخن از پدران گرامیت رسیده است که فرمودند «زمین
هیچگاه از حجت خدا بر خلقش خالی نمی ماند و کسیکه بمیرد و
امام زمانش را نشناسد همچون زمان جاهلیت مرده است؟» امام
عسکری فرمود «همانا این موضوع چون روز روشن و واضح و حق
است سؤال کردند پس حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود
پسرم محمد، او امام و حجت بعد از من است کسیکه بمیرد و او را

۱ - کمال الدین ص ۳۷۸ و ۴۰۹

۲ - کمال الدین ص ۳۷۸ و ۴۰۹

نشناسد و بمقامش عرفان پیدا نکند مانند جاهلیت مرده است هر آینه برایش غیبتی است که افراد جاهل در آن مدت متحیر شده و اهل باطل هلاک گشته و وقت گذاران ظهورش تکذیب می شوند، سپس او (پس از دوران غیبت) قیام می کند گویا می بینم که پرچمهای سفید بر بالای سرش در بیرون کوفه در اهتزاز است.^۱

غیبت بی سابقه نیست

باید دانست که موضوع غیبت یک مسأله بی سابقه نبوده تنها برای امام دوازدهم ما مقرر نشده است بلکه حجتها و پیامبران الهی در گذشته هر کدام بنا به مصلحت و علتی مدتی را در پس پرده غیبت بوده دور از نظرها بسر می بردند.

مثلاً بعقیده ما مسلمانان و مسیحیان با جزئی اختلاف حضرت عیسی علیه السلام از انظار غایب شده محل و مکان مخصوصی ندارد، هم اکنون بطور پنهان و مستور از نعمت حیات برخوردار است تا روزیکه امام عصر علیه السلام ظهور می فرماید، حضرت

۱ - کمال الدین ص ۴۰۹ «سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ... عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِيهِ (ع) «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُومُنَّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ: إِنِّي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا أَنْ لَهْ غَيْبَةٌ يُحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيُكذَّبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفُقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِتَجْفِ الْكُوفَةِ.»

مسیح بامر پروردگار بآن بزرگوار اقتدا می‌کند و اهل کتاب وقتیکه تواضع و احترام حضرت عیسی را نسبت به امام زمان می‌بینند همگی ایمان می‌آورند.

چنانچه امام باقر علیه السلام در ذیل آیه شریفه ۱۵۹ سوره نساء که می‌فرماید «هیچکس از اهل کتاب نباشد مگر آنکه پیش از مردن باو ایمان می‌آورد و او (منظور عیسی است) روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود» فرمود: عیسی قبل از قیامت بدنیا نازل می‌شود پس نه ملت یهود و نه غیر آن باقی می‌مانند مگر آنکه قبل از قیامت باو ایمان آورند و عیسی پشت سر مهدی نماز می‌گزارد.^۱

هم چنین در تاریخ و کتب اسلامی می‌خوانیم که حضرت خضر و الیاس علیهما السلام زنده هستند و دور از نظرها بسر می‌برند و غائب می‌باشند، در این باره دانشمند بزرگوار مرحوم شیخ طوسی در کتاب غیبت خود می‌نویسد: «اعتقاد بیشتر مسلمانان و مورخان شیعه و سنی این است که خضر پیغمبر از زمان حضرت موسی تا کنون زنده است نه کسی از محل او اطلاع دارد و نه کسی می‌داند یاران او کیست. اینقدر می‌دانیم که داستان وی با حضرت موسی در قرآن سوره کهف ذکر شده است و نیز غیبت موسی از وطن هنگامیکه از فرعون و قوم بیداد او فرار نمود در قرآن نقل شده است (قصص و طه) و طوری بود که هیچکس در طول آن

۱ - عَنْ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى [وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا] قَالَ: إِنَّ عِيسَى (ع) يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِلَّةَ يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنُوا بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِمْ وَيُصَلِّيَ عِيسَى خَلْفَ الْمَهْدِيِّ (ع) مِنْتَخِبُ الْاِثْرَصَ ٤٧٩

مدت از وی اطلاعی نداشت و موسی را نمی شناخت تا زمانیکه خداوند او را برانگیخت و به دعوت مردم برخاست و دوست و دشمن او را شناختند.»

داستان یوسف و یعقوب هم معروف است بطوریکه یک سوره قرآن مربوط به این موضوع است و صریحاً می گوید اخبار یوسف از پدرش پوشیده ماند و پدرش نمی دانست فرزندش کجاست با این که یعقوب پیغمبر بود و صبح و شام با و وحی می شد تا آنکه سالها گذشت و زنده بودن یوسف آشکار شد، هم چنین غیبت یونس در قرآن مجید و تواریخ اسلامی به تفصیل آمده است، اصحاب کهف چند جوان با ایمان بودند که برای حفظ ایمان خود از قوم بت پرست خویش کناره گرفتند و بعد از سیصدونه سال آشکار گشتند. شیخ می نویسد با اینکه این وقایع روی داده است و همه معروف می باشد چگونه مخالفان شیعه از غیبت مهدی موعود تعجب می کنند.^۱

اتفاقاً در اخبار اسلامی آمده که امام غائب حضرت مهدی ارواحنا فداه با پیامبران گذشته شباهتی دارد از جمله شباهتی است که با موسی علیه السلام می باشد چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فِي الْقَائِمِ شَبَهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقُلْتُ وَمَا شَبَهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ قَالَ خِفَاءٌ مَوْلِدِهِ وَغَيْبَتُهُ مِنْ قَوْمِهِ»^۲

۱ - اقتباس از مجله مکتب اسلام سال نهم شماره ۴ مقاله جناب آقای دوانی و

کتاب تحفه قدسی ترجمه غیبت مرحوم شیخ طوسی ص ۱۰۱.

۲ - منتخب الاثر ص ۳۰۱.

یعنی در قائل شباهتی از موسی بن عمران است، پرسنده می‌گوید گفتم علامت و شباهت (امام زمان) با موسی بن عمران چیست؟ فرمود تولدش مخفی و پنهانی بوده از قومش غائب و مستور بود.

چنانچه در گذشته یادآور شدیم امام عصر هم بجهت محیط خفقان سامره و ظلم و فشار معتمد عباسی خلیفه بیدادگر، پنهانی دنیا آمده، مدت پنج سال بطور خصوصی با پدر گرامیش زندگی کرده از آن پس بامر پروردگار متعال از انظار غائب و پنهان گشت.

با ملاحظه مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که اولاً مسأله غیبت بی سابقه نبوده تنها مورد اعتقاد جامعه شیعه اثناعشریه نیست، بلکه پیروان پیامبران گذشته نیز به غیبت پیشوایان خود معتقد بودند، ثانیاً اینکه در اصل غیبت ولی عصر علیه السلام تردیدی نیست و با ادله صحیح و صریح می‌دانیم که برای حضرتش دو غیبت (صغری و کبری) رخ داده است.

توضیحی بر فلسفه غیبت امام عصر

تا اینجا معلوم شد که غیبت امام زمان واقعیتی است غیر قابل تردید، هم اکنون باید در خور استعداد خویش با استفاده از بیانات معصومین علیهم السلام بدانیم که علت و فلسفه غیبت آن بزرگوار چیست؟ برای توضیح این موضوع لازم است به مطالب دو مقدمه زیر توجه کنیم:

مقدمه اول:

بدیهی است که پروردگار متعال حکیم مطلق بوده تمام امور و کارهای جهان را روی حکمت و مصلحت انجام می دهد و سعادت بشر را بهتر از خود او تشخیص داده طریق رستگاری و نجات آنان را بخوبی می داند و هیچیک از افعال او بدون حکمت و مصلحت نیست زیرا خدائیکه دانای بهمه اسرار و رموز جهان می باشد اگر کاری را بدون منفعت و مصلحت انجام دهد و بشر را بیجهت بانجام آن امر نماید عقلاً معقول نخواهد بود و این عمل از فرد عاقل و خردمند بعید بنظر می رسد تا چه رسد باینکه از خداوند حکیم و خیر صادر گردد.

«در فلسفه ثابت شده است که هیچ معلولی بدون علت نیست یعنی هر چیز علت و عاملی دارد خواه ما علت آنرا بدانیم یا ندانیم باصطلاح، عَدَمُ الْوِجْدَانِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ، یعنی نیافتن و درک نکردن دلیل بر نبودن نخواهد بود.»^۱

غیبت حضرت حجت و اقصیتی است مسلم اگر به علت و فلسفه آن پی نبردیم دلیل نمی شود که وجود حضرتش را منکر گردیم و یا اینکه غیبت را امری بدون حکمت پنداریم و اشکال کنیم که چرا باید غایب باشد؟ و بر وجود امام غائب چه فایده ای مترتب است. و مردم چگونه از وجودش در حال غیبت بهره مند می شوند؟ دانشمندان و الا مقام شیعه مرحوم آیه الله صدر در این مورد می فرمایند «چون خدای تعالی حکیم است از موضوعی نهی

۱ - اقتباس از مجله مکتب اسلام سال نهم شماره ۵.

نمی‌کند و به موضوعی امر نمی‌نماید و کاری انجام نمی‌دهد مگر از روی مصلحت‌هایی که مرجع آن مصلحتها بسوی مکلفین است زیرا که در ساحت مقدس پروردگار فقری وجود ندارد و ذات مقدس خدا صرف غنا و بی‌نیازی است بنابراین کلیه افعال خدا موافق با نفس مصالح خواهد بود خواه ما آن مصالح را بدانیم یا نه و خواه آن جهت‌ها را درک کنیم یا نکنیم...»

«از مهمترین اموری که بتدبیر و حکمت پروردگار متعال ایجاد می‌گردد غیبت مهدی منتظر علیه السلام است و روی این اصل باید غیبت مهدی بر وفق مصلحت و حکمت باشد چه ما فلسفه آنرا درک نمائیم یا ننمائیم.»^۲

مقدمه دوم:

تمام دانشمندان بزرگ دنیا معتقدند در این جهان وسیع و پهناور اسرار و رموز فراوانی است که بشر هنوز به بیشتر آنها دست نیافته و پرده از روی آنها بر نداشته است.

با اینکه علوم هر لحظه در هر حال توسعه و پیشرفت است و هر روز اکتشافات و اختراعاتی توسط دانشمندان بمعرض ظهور می‌رسد و مجهولی از مجهولات عالم بزرگ هستی کشف می‌گردد ولی باز با اعتقاد دانشمندان مجهولات و اسرار جهان آنقدر فراوان است که نمی‌شود همه آنها را از بین برد یا بدانها واقف شد.

مگر متفکرین توانسته‌اند تا حال مسائل لاینحل جهان را حل

۲ - ترجمه المهدی ص ۲۱۲ و ۲۱۳ با تصرف و تغییر.

نمایند، مگر دست توانای علم تاکنون توانسته است پرده از حقیقت روح بردارد و واقعیت روح را آنچنانکه هست دریابد»^۱
بزرگان علم و دانش در مقابل این همه اسرار اظهار عجز و زبونی می‌کنند، امام صادق علیه السلام در کلام ارزنده خود می‌فرماید:

«يَا بَنَ آدَمَ لَوْ أَكَلَ قَلْبَكَ طَائِرٌ لَمْ يُشْبِعْهُ وَبَصَرَكَ لَوْ وُضِعَ عَلَيْهِ خَرْتُ إِنَّرَةً لَغَطَّاهُ تُرِيدُ أَنْ تَعْرِفَ بِهِمَا مَلَكَوَتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۲

یعنی ای پسر آدم اگر قلب ترا پرنده‌ای بخورد سیرش نمی‌کند و باندازه سوراخ ته سوزن اگر چیزی روی چشمت قرار گیرد آن را می‌پوشاند تو می‌خواهی بوسیله این قلب کوچک و چشم ناتوان عظمت زمین و آسمانها را درک کنی و دریابی.

ادیسون می‌گوید «از یک درصد مجموع دانستنیها فقط یک میلیونیم آنرا می‌دانیم و نیوتن گفته است که «دانش کل مانند خلیج است که من و همکارانم چند دانه ریگ جالب از این پهنای وسیع برداشته ایم»^۳

ویلیام جیمز روانشناس معروف می‌گوید «معلومات انسان در مقابل مجهولاتش مانند قطره در برابر دریاست و هم انیشتین عقیده دارد که هنوز بشر نتوانسته است افسانه سر بزرگ (معمای خلقت) را حل کند و آنچه تاکنون از کتاب طبیعت خوانده، تازه باصول

۱ - مکتب اسلام

۲ - نوید امن و امان ص ۱۶۲

۳ - مکتب اسلام سال ۹ شماره ۴ نقل از نجوم برای همه ص ۱۰۶

زبان آشنا شده و در مقابل مجلداتی که خوانده و فهمیده از حل و کشف کامل این معما خیلی دور است.»^۴

مسأله غیبت امام عصر ممکن است جزء اسرار و رموز این جهان باشد که جز خداوند دانا و حکیم کسی آگاهی نداشته باشد. چنانچه در این مورد از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) احادیثی وارد شده که در جواب سئوال کنندگان از فلسفه غیبت فرمودند ما اجازه نداریم فلسفه و علت غیبت آن امام را اظهار نمائیم. چنانچه دانشمند والا مقام مرحوم آیه الله صدر نقل می‌کند که «عبدالله بن فضل هاشمی گفت از صادق آل محمد شنیدم که فرمود برای صاحب امر امامت بناچار غیبتی خواهد بود که هر دروغگوئی درباره آن شک می‌کند گفتم فدایت شوم برای چه؟ فرمود برای یک موضوعی که مجاز نیستیم آنرا برای شما کشف نمائیم. گفتم علت غیبت آن بزرگوار چیست؟ فرمود علت غیبت آن حضرت مثل علت غیبت‌هایی است که حجتهای حق قبلاً می‌کردند فلسفه غیبت مهدی کشف نمی‌شود مگر بعد از ظهور آن حضرت هم چنانچه علت آن حکمتی که خدا از قبیل سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر و تعمیر دیوار بحضرت خضر عطا کرده بود، برای موسی کشف نشد مگر در موقع جدائی آنان، ای پسر فضل این امر، امر خدا، و این سر، سر خدائی و این غیبت غیبت خدائی است وقتی که ما بدانیم خدا حکیم است تصدیق می‌کنیم که کلیه کارهای او از روی حکمت است اگرچه علت کارهای خدا برای

ما نامعلوم باشد.»^۱

در این داستان چون ابتدا حکمت کارهای عجیب خضر بر جناب موسی پوشیده و مکتوم بود لذا برای حضرت موسی ایجاد اشکال و سؤال می‌کرد اما وقتی که جناب خضر علیه السلام حکمت و فلسفه کارهای شگفت‌آورش را برای موسی شرح داده کاملاً تحیر و تردیدش برطرف شده به کم صبری و عدم اطلاع به اسرار جهان واقف گشت.^۲

از مقام شریف و شامخ امام زمان علیه السلام در این مورد دستخط مبارکی صادر شده که مسأله را روشن می‌نماید. دانشمند بزرگ شیعه مرحوم کلینی در کتاب کافی می‌نویسد: یکی از بزرگان شیعه بنام اسحق بن یعقوب طی نامه‌ای توسط جناب محمد بن عثمان نایب دوم، فلسفه غیبت را از خود حضرت سؤال

۱ - ترجمه المهدی ص ۲۱۴ و ۲۱۳

۲ - حکمت سوراخ کردن کشتی این بود که پادشاه غاصبی از پشت سر بیچارگانی که در دریا کار می‌کردند و کشتی وسیله حمل و نقل اموالشان بود تصمیم گرفت آن سفینه مستمندان را تصرف کند جناب خضر آسیبی بدان وارد نمود تا آن کشتی موقتاً معیوب گردد و بدست آن پادشاه غاصب نیفتد. علت کشتن جوان این بود که پدر و مادر صالحی داشت ترس آن می‌رفت که آندورا بکفر و طغیان وا دارد «که مجازات کافر مرتد کشتن بود» و خداوند اراده فرمود فرزند صالحی بآنان عطا فرماید. حکمت تعمیر دیوار خراب آن بود که صاحبش دو پسر یتیم بودند و زیر آن گنجی قرار داشت که پدرشان برای آندو نهران کرد تا بزرگ شوند و آن گنج را بیرون آورده و زندگی را روبراه سازند و برای آنکه بدست سرپرست بیرحمشان نیفتد، خضر پیامبر دیوار خراب را مرمت فرمود»

کهف آیات ۷۸ - ۸۱

نمود و به دریافت پاسخ شریف زیر از طرف امام سرافراز شد:

«اما جهت و علت غیبتی که رخ داده این است که خداوند می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید از (بعضی) چیزها سؤال نکنید که اگر برایتان آشکار شود بضررتان می باشد» هر یک از پدران من ناچار بودند که بیعت ستمکاران زمان خود را بپذیرند اما من وقتی که ظهور نمایم بیعت هیچیک از ظالمان را نپذیرفته به عهده نمی گیریم ولی استفاده ای که مردم از وجودم در زمان غیبت می برند مانند استفاده از آفتاب است آنگاه که ابر آنرا بپوشاند وجود من امان برای مردم روی زمین است همانگونه که ستارگان امان برای اهل آسمان هستند. پس درهای سؤال را از چیزیکه سودی بحال شما ندارد به بندید و برای فهم و درک چیزیکه تکلیف بدان نشده اید خود را ناراحت نکنید و برای تعجیل در فرج من زیاد دعا کنید که آزادی و گشایش شما در این است.»^۱

اتفاقاً در احادیث اسلامی وجود گرامی امام عصر علیه السلام در زمان غیبت بافتاب مستور تشبیه شده است چنانچه سلیمان

۱ - وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءَ إِن تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ (مائده ۱۰۲) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِن آبَائِي (ع) إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِّطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَّتِ فِي عُنُقِي وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ السَّحَابُ إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ الشُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَأَغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ وَكَثِّرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ»

کمال الدین ص ۴۸۵

أَعْمَشَ يَكِي از یاران نزدیک امام صادق می‌گوید امام ششم فرمود: «از زمانیکه خداوند آدم را خلق کرد زمین را از وجود حجت و امام ظاهر یا پنهان و غایب خالی نگذاشته و هم چنین تا روز قیامت خالی نخواهد گذاشت و اگر غیر از این بود خداوند متعال عبادت نمی‌شد سلیمان می‌گوید با امام عرض کردم:

«فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ»^۱

یعنی پس چگونه مردم از حجت و پیشوای غائب و پنهان استفاده می‌کنند؟ فرمود همچنانکه از خورشید زمانیکه ابر آنرا بپوشاند بهره‌مند می‌شوند از امام غائب نیز منتفع می‌گردند.

همینطور مرحوم صدوق دانشمند بزرگ شیعه در کتاب کمال الدین از جابر بن عبدالله انصاری که یکی از یاران نزدیک رسول اکرم بود نقل می‌کند که پیامبر اکرم در ذیل آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۲

«یعنی ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و پیامبر و صاحبان امر پیروی کنید» جانشینان خود را معرفی فرمود نام مقدس هریک و مشخصات آنانرا بیان کرده به غیبت امام دوازدهم اشاره نمود جابر پرسید: «ای رسول خدا آیا برای شیعیان او در زمان غیبتش فایده و بهره‌ای هست، رسول اکرم فرمود آری سوگند به کسی که مرا به پیغمبری برانگیخت هر آینه شیعیان از نور امامت او روشنی

۱- منتخب الاثر ص ۲۷۱

۲- نساء ۵۹

می‌گیرند و از ولایت و دوستی او در مدت غیبتش بهره‌مند می‌شوند هم چنانکه مردم از آفتاب استفاده می‌کنند آنگاه که ابر آنرا بپوشاند.»^۱

پس معلوم شد که موضوع غیبت امام زمان از اسرار و رموز الهی بوده و وجودش در زمان غیبت چون خورشید فروزان پس ابر می‌باشد و ما ممکن است فلسفه و علت آنرا آنچنانکه هست متوجه نشویم اما باید دانست که ائمه اطهار علیهم السلام برای غیبت آن بزرگوار علل و فلسفه‌هایی ذکر کرده‌اند که برای اطمینان خاطر و سکون دل به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

علل غیبت

۱ - مجازات و بیداری و تأدیب شیعیان: بخوبی می‌دانیم پیامبر اکرم و یازده جانشین معصوم وی همیشه در میان مردم بسر می‌بردند و آنانرا تبلیغ و ارشاد می‌فرمودند ولی مردم نادان از آن بزرگواران استفاده ننموده درصدد اذیت و آزار آنان برمی‌آمدند، در تواریخ اسلامی داستان غم‌انگیز رنج و اذیت کفار و افراد جاهل را نسبت به رسول اکرم مشاهده می‌کنیم و به مشکلات و مصائب دوره امامت و خلافت و پیش از خلافت مولای متقیان واقفیم و همینطور اذیت و آزار مردم زمان را نسبت به امام دوم و امام سوم و امامان بعد از آن‌دو بزرگوار علیهم السلام تا ولی عصر علیه السلام

۱ - کمال الدین ص ۲۵۳ «یا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؟ فَقَالَ (ع) أَيْ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَسْتَفِيدُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ»

بخوبی اطلاع داریم و ملاحظه کرده ایم که این خورشیدهای تابناک و مردان برجسته چقدر از مردم زمانه ستم دیدند و رنج کشیدند اما مشرکین نتوانستند جلوی اشعه زرین و طلائی این خورشیدهای درخشان را بگیرند و از فیض و رحمت آنها ممانعت نمایند.

از این بیان می فهمیم اکثر مردم عصر ائمه اطهار که همیشه آنان را ملاقات می کردند و با آنها مواجه و مقابل بودند قدرشان را نشناخته و پی به اهمیت کار مقدسشان نمی بردند لذا خداوند حکیم برای اینکه مردم را متوجه گناه و ظلم و ستم بی حدشان نسبت باین معصومین و راهنمایان خلق نموده بآنها بفهماند که امام کیست؟ و قدر و منزلت چيست؟ امام دوازدهم آخرین حجت را در پس پرده غیب نگه داشت تا بخوبی به وجود اقدسش پی ببرند و قدر و ارزش مقام او را درک کرده متوجه شوند که امام و رهبر آسمانی چه شخصیتی است و از وجود پرفیض او چگونه باید استفاده نمود.

همه می دانیم که آدمی وقتی که نعمتی را از دست بدهد و دسترسی بدان نداشته باشد قدر آنرا بخوبی می فهمد و ارج آنرا درک می کند اما وقتی در نعمت مستغرق باشد و از هر جهت و طرف فیض و برکت سرازیر شود نمی تواند به ارزش آن نعمت پی برده و اهمیت آنرا درک کند، همانطور که شیخ سعدی می گوید:

از سوارانیکه در بیابانهای بی آب و خشک سرگردان هستند (و از تشنگی رنج می برند) ارزش و نقش حیاتی برکه های پر از آب باران را سؤال کن. اما تو که در کنار آب گوارا هستی چه میدانی

که ارزش آن چیست؟

مَثَلِ الْمَصْنَعِ رَكِيباً تَهِيْمٌ فِي الْفَلَوَاتِ

تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی^۱
شاید منظور از غیبت ولی عصر همین باشد که پروردگار
می خواهد مردم بخوبی وجود مقدس او را درک کنند و قدر و
منزلت او را بدانند چون فعلاً با و دسترسی ندارند تا از محضر پر
فیض بهره مند گردند لذا بخود می آیند و از خواب غفلت بیدار
می شوند و انگشت ندامت بدنشان می گزند و از خدای خود پوزش
می طلبند و ظهور او را خواستار می گردند و همین موضوع تا حدودی
باعث بیداری و تأدیب آنان خواهد بود.

۲ - اصلاح نفوس انسانها

مردمیکه از وجود با برکت امام و پیشوای برحق بهره مند و
مستفیض نمی شوند و در صدد اذیت و آزارش برمی آیند و
نمی خواهند از خواب غفلت بیدار گردند قطعاً می بایست مدتی
برای اصلاح نفوس آنها امام و پیشوا از میانشان بیرون برود و دور از
انظار آنان بسربرد تا وجدان خفته افراد غافل بیدار گشته در صدد
اصلاح و تکمیل نفوس و تهذیب روان خود برآیند و متوجه شوند که
آن وجود مقدس برای اصلاح جامعه و ریشه کن کردن فساد و
تباهی برانگیخته شده و هدفش این است که روح آنها را از
آلودگی و رزالت پاک کرده، صفحه دل آنانرا با دستورات
حیات بخش آسمانی و نصایح حکیمانه بشوید و زنگار قلب

۱ - کلیات دیوان، قسمت ملتمعات ص ۴۹۷

همگان را با دواهای شفا بخش معنوی بزداید. افراد غافل پس از اینکه متوجه شدند و ندای وجدان را از درون خود شنیدند مبنی بر اینکه چرا غافل هستید و از رهبر دلسوز پیروی نمی‌کنید و فرامین و اوامر او را بگوش هوش نمی‌گیرید این بیداری تا حدی باعث اصلاح نفوس آنها گشته و غیبت پیشوای دینی، عامل و علت تصفیه روح و جان آنان خواهد شد.

بدین جهت حضرت ولی عصر علیه السلام غیبت طولانی اختیار کرده تا مردم ارزش وجودش را درک کرده در صدد اصلاح خود و جامعه برآیند و فساد و تباهی را برای تشریف آوردن آن بزرگوار ریشه کن نمایند چون می‌دانند که او نابود کننده کاخ ظلم و ستم و از بین برنده فساد و تباهی است و با افراد فاسق و فاجر و ظالم نمی‌سازد و برنامه اصلاح و عدالتش سراسر زمین را فرا می‌گیرد و بیعدالتیها و ستمها را از بیخ و بن می‌کند و بزندگی ستمکاران خاتمه می‌دهد و پهنه زمین را بنور عدل و داد روشن می‌نماید چنانچه فقرات دعای ندبه حاکی بر این معنی است:

أَيْنَ الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظِرِ لِإِقَامَةِ
الْأَمْنِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ أَيْنَ
الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ... أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ
الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أْبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ.^۱

یعنی «کجاست آنکه برای ریشه کن کردن ستمکاران آماده شده، کجاست آنکه منتظر استوار کردن کژیها و نادرستیهاست،

۱ - منظور از فرائض و سنن احکام و دستورات متین و مطمئن اسلام می‌باشد.

کجاست آنکه برای نابودی جور و ستم امیدوار بدویند، کجاست
 آنکه شکننده شوکت و جلال متجاوزان می باشد، کجاست
 نابودکننده و بهم ریزنده بناهای شرک و نفاق و دوروئی.
 امامیکه در سایه لطف ربش
 زمین را کند پرز عدل و ز احسان
 جهان در زمانش شود همچو جنت
 نه پیداست عفریت فحشاء و عدوان
 شود پرز صلح و صفا عالم ما
 رسد عمر بی دینی و جورپایان
 رود شام ظلمانی و روز تیره
 رسد صبح موعود آن شمس تابان^۲
 در قرآن کریم در این باره نمونه های زیادی وجود دارد که
 پیغمبران و پیشوایان پیشین چون از هدایت و ارشاد مردم نتیجه ای
 نمی گرفتند. و از اذیت و آزار آنها خسته می شدند برای اصلاح و
 کامل کردن آنان مدتی غائب می گشتند و از میان آنها بیرون
 می رفتند تا آنان به اعمال زشت خود نسبت به پیغمبری ببرند و
 فایده وجود او را بخوبی درک کنند.

«چنانچه حضرت ابراهیم از راهنمایی و هدایت قوم بت پرست
 مایوس شد و با اذیت و تهدید آنان روبرو گشت و فرمود:
 «وَأَعْتَرِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي»^۱

یعنی و از شما و آنچه که غیر از خدا می خوانید دوری

۲ - از مؤلف (قسمتی از یک میلادیه)

۱ - مریم ۴۸

می جویم و خدای خود را می خوانم.

حضرت ابراهیم با این منطق قوی از میان قوم خود بیرون رفت و با رفتن آن حضرت مردم به وجدان خفته خود بازگشت نموده ارشاد و تبلیغات خالصانه او را در هدایتشان بیاد آوردند و از اعمال گذشته خویش نادم گشته درصدد اصلاح خود برآمده در غیاب آن حضرت عده ای بخدای بزرگ ایمان آوردند. هم چنین یونس پیغمبر علیه السلام چون از هدایت قوم خود نتیجه ای نگرفت و مواجه با سرکشی و تهدید آنها شد بعذاب الهی بیمشان داد ولی باز موثر نیفتاد لذا از میان آنها کوچ کرده مدتی غائب شده با رفتن او قوم ظاغی بخود آمدند و دست از عصیان و طغیان برداشتند و توبه نمودند.^۱

در مسأله غیبت حضرت مهدی علیه السلام چنین حکمت و مصلحتی نهفته است که مردم در این مدت طولانی بخود آیند و کاملاً بیدار شوند و درصدد اصلاح نفوس خود باشند و عرصه زمین را برای آمدن آن مصلح حقیقی و پیشوای واقعی آماده کنند، صفحه دل خود را از هر رنگ و عیب بشویند وجود مقدس او را درک نموده آمدنش را برای استقرار عدل و داد و ترویج اسلام و برافراشتن پرچم توحید از خدای بزرگ بخواهند و از هر حیث خود را محتاج و نیازمند راهنمایی و هدایت او بدانند.

۳ - امتحان و آزمایش:

شاید یکی از علل و فلسفه های غیبت امام دوازدهم، مصلح حقیقی جهان، امتحان و آزمایش افراد مسلمان باشد.

امتحان و آزمایش یکی از عوامل مهم تربیت روح بوده از قوانین و مقررات جهان هستی است که بدون آن نمی شود به سعادت رسید اگر انسان در امتحان و آزمایش بفرنج و مشکل روزگار بخصوص در امتحانات الهی موفق و پیروز گردد قطعاً دارای همت عالی و استقامت فوق العاده خواهد بود بسیاری از افراد مسلمان تا قبل از امتحان و آزمایش اظهار ایمان و دیانت راستین می نمایند و خود را مؤمن واقعی می دانند اما وقتی پای امتحان بعمل آمد و مشکلی از مشکلات روزگار روآور شد آنچنان پایه های ایمانشان سست شده در معرض نابودی و زوال قرار می گیرد که تصورش برای آنها مشکل بنظر می آید خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

«هر آینه شما را بچیزی از ترس و خوف بیازمائیم و بواسطه گرسنگی و کاستن مال و گرفتن جان و کاهش میوه ها امتحانتان می نمائیم (ای پیامبر) صبرکنندگان را مژده و بشارت ده آنانکه وقتی مصیبتی ببینند گویند ما برای خدائیم و بسویش بازگشت کنندگان هستیم، رحمتها و درودهای خداوند برایشان باد، آنان هدایت شدگان می باشند.»^۱

۱ - وَلَتَبْلُوَنكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ. بقره

۱۵۷-۱۵۵

افراد با ایمان و آنانکه خالصانه خدا را می خوانند و پیروی از پیغمبرش را اختیار کرده اند، آنچنان دارای ایمان قوی و محکم هستند که چون کوه استوار بوده تمام مشکلات و ناملايمات را بجان می خرنند و هیچگونه زلزله و تردیدی در آنان مشاهده نمی شود چون الماسی هستند که هرچه بیشتر سائیده شوند براق تر می شوند. اما افرادی که ایمان ضعیفی دارند هم چون علفی کم ریشه هستند که در مقابل حوادث و مشکلات زندگی مقاومت ندارند و با مواجه شدن کوچکترین مصیبت خود را می بازند و گوهر شریف و ارزنده ایمان را از کف می دهند.

آنچنانکه از احادیث معتبر اسلامی برمی آید افراد مسلمان در زمان غیبت کبری امتحان و آزمایش می شوند و عده زیادی در اثر طولانی شدن زمان غیبت و دیدن مشکلات و ناملايمات از دین حق بیرون رفته منکر وجود مقدس آن حضرت می گردند.

آری مؤمن واقعی از منافق و کم ایمان در این مدت از هم متمایز می گردند و زمان غیبت محک خوبی برای شناسائی آنان می باشد.

اگر ولی عصر در میان مردم بسر می برد و جریان غیبت پیش نمی آمد دوستان حقیقی از منافقان و دشمنان شناخته نمی شدند چنانچه شیخ طوسی در کتاب غیبت خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که راجع به امتحان زمان غیبت امام عصر فرمود:

«... وَاللَّهِ لَتَمَّحَّصَنَّ وَاللَّهِ لَتُفَرِّبُنَّ كَمَا يُفَرِّبُ الزُّوَانُ»

مِنَ الْقَمَاحِ»^۱

یعنی سوگند بخدا هر آینه امتحان می شوید سوگند بخدا غربال می گردید هم چنانکه دانه تلخ گندم از میان دانه های دیگر گندم جدا و غربال می شود.

باز در بیان دیگر امام صادق می فرماید: لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَيُمَيَّزُوا أَوْ يُغْرَبَلُوا وَيَخْرُجُ مِنَ الْغْرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ.^۲

یعنی بناچار مردم باید امتحان و آزمایش شده غربال گردند و از غربال امتحان عده زیادی خارج شده بیرون بریزند. بقول معروف:

عشق اول سرکش و خونی بود

تا گریزد هر که بیرونی بود

دانشمند ارزنده شیعه مرحوم آیه الله صدر در این زمینه می نویسد «یکی از سنتهای خدای توانا و قادر از روزیکه انبیاء را مبعوث فرموده، امتحان و آزمایش است که در میان بندگانش جریان و وجود دارد، به وسیله امتحان مراتب مردان و درجات ایمان آنان ظاهر گشته بلکه حال و حقیقت انسان نسبت به خودش هم نیز معلوم می شود. آری چه بسا می شود که حال انسان نسبت به خودش هم نامعلوم است.

شریعتهای الهی عبارت از:

تعلیمات و برنامه های ادبی، مادی، دنیوی، اخروی، انفرادی

۱ و ۲ - موعودیکه جهان در انتظار اوست ص ۲۶۹ (نقل از غیبت مرحوم

نعمانی)

و اجتماعی است، این عالم مدرسه علمیه و پیغمبران مبلغ و معلم افراد بشر هستند. هر مدرسه و درس امتحانی که مناسب حال آن باشد لازم دارد.

حوادثیکه در این عالم واقع می شود آزمایشهایی است که مقدار و درجه تأثیر آن در افراد انسان بوسیله همین امتحان و اختبار معلوم می گردد، چنانچه خدای عزیز می فرماید:

«الْم أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ.»^۱

یعنی آیا مردم پنداشتند که تنها ایمان آورده اند، رها شده و کارشان تمام گشته، دیگر امتحان و آزمایش نمی شوند، (در حالیکه این چنین نیست، آنها را امتحان خواهیم کرد چنانچه دیگران را که پیش از آنان بوده اند امتحان کرده ایم تا راستان، از دورویان معلوم گردند.)

«از مهمترین موضوعاتی که امتهای گذشته بدان وسیله مورد آزمایش قرار گرفتند، غائب شدن بعضی از پیامبران آنان بود، پس محققاً باید موضوع غیبت درباره رهبران و امامان این امت نیز تحقق پیدا کند از جمله غیبت های این امت، غیبت مهدی منتظر است تا راه گمراهی از راه هدایت جدا شده مؤمن از منافق مشخص گردد، غائب شدن مهدی بزرگترین امتحان و آزمایش است برای شیعه آن بزرگوار.»^۲

۱- عنکبوت آیه ۲ و ۳

۲- ترجمه المهدی ص ۲۲۲ و ۲۲۳ با تغییرات مختصر.

۴ - قبول نکردن بیعت و حکومت ستمکاران

یکی از علت‌های غیبت حضرت مهدی علیه السلام که در روایات اسلامی بیان شده بیعت نکردن حضرت مهدی با ستمکاران و ظالمان می باشد.

آخرین حجت پروردگار و آخرین امام شیعه برای اینکه زمین را بعدل و داد پر نماید و ظلم و فساد را ریشه کن کند غائب شده تا از هیچ حاکم و زمامدار ستمکار پیروی نکند و حکومت او را قبول ننماید زیرا اگر بنا باشد آن بزرگوار تابعیت حکومت‌های غاصب را ظاهراً قبول نماید با موضوع پر شدن زمین بعدل و داد به دست با کفایتش منافات و مغایرت دارد.

او شخصیت بزرگواری است که بآرمانها و آرزوهای همه پیامبران و اولیاء الهی باید تحقق ببخشد و لباس عمل پوشاند زیرا هیچیک از پیامبران و امامان قبل از آن حضرت نتوانستند بطور مطلق حکومت عادلانه و الهی را در زمین مستقر کرده تمام افراد بشر را موحد و متحد ساخته زیر لوای یک دین و مذهب در آورند. اما خواست خداوند قادر بر این قرار گرفت که آخرین ذخیره اش یعنی حجة بن الحسن العسکری روزی ظهور نموده همه ستمکاران را نابود کرده بیچارگان و مظلومین را نجات دهد و روحی تازه در کالبد بیجان جهان و جهانیان بدمد.

این چنین شخصیت آسمانی نباید تابع حکومت‌های جابر شده بیعت آنها را قبول نماید چنانچه امامان عالیقدر باین موضوع اشاره فرمودند:

۱ - از امام اول نقل شده که فرمود: «صاحب این امر کسی

است که بر عهده او بیعت و پیمان کسی نخواهد بود.»^۱

۲ — امام مجتبی در جواب عده ای که نسبت بصلح آن حضرت با معاویه اعتراض نمودند فرمود: «آیا نمی دانید که بعهد هریک از ما بیعت گردنکش زمانش می باشد جز قائم که عیسی بن مریم روح الله پشت سر او نماز می خواند به تحقیق خداوند متعال ولادتش را پنهان فرموده وجودش را غائب نمود تا زمانیکه قیام و خروج می نماید بیعت و پیروی از کسی به عهده او نباشد.»^۱

۳ — امام صادق فرمود: «هنگامیکه قائم قیام کند بیعت و پیروی احدی را بعهد ندارد.»^۲

۴ — خود امام عصر ارواحنا فداه در نامه ای یکی از دوستانش نوشت: «هریک از پدران من بیعت طاعنی زمانش بر عهده او بود ولی زمانیکه من خروج و قیام می کنم پیروی و بیعت هیچیک از طاغوتها و ستمکاران را بعهد ندارم.»^۳

۱ — منتخب الاثر ص ۲۸۹ «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَلَا عَقْدٌ وَلَا يَبْعَةُ»

۱ — کمال الدین ص ۳۱۶ «أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَيُغِيبُ شَخْصَهُ لِيَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ...»

۲ — يَقُومُ الْقَائِمُ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ. کمال الدین ص ۴۸۰ و منتخب الاثر ص ۲۸۹.

۳ — منتخب الاثر ص ۲۶۷ «لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِّنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَدْ أَوْقَعْتُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةَ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِّنَ الطَّوَاغِيَّتِ فِي عُنُقِي»

از این فرموده‌ها نتیجه می‌شود که منجی جهان و مصلح حقیقی امام زمان برای اینکه از احدی از بدکاران و ستمکاران پیروی نکند و بیعت و قبول حکومت آنان را بعهده نداشته باشد غائب شده تا زمانی که امر پروردگار برای ظهور و قیام صادر شود و آن بزرگوار با نیرو و قدرت فوق العاده، بیدادگران را نابود کرده زمین را بعدل و داد پر نماید و بنور الهی روشن و منور سازد و اگر بنا باشد آن حضرت در مقابل گردن کشان ساکت بماند و بیعت ظالمانه آنانرا بعهده بگیرد هرگز نمی‌تواند جهان پر از ظلم و جور را نجات داده به صلح و صفا مبدل نماید.

۵ - آماده نبودن جهان:

باید جهان برای پذیرش حکومت عادلانه امام غائب آماده شود تا ظهور و قیام آن بزرگوار نقش عظیم و حقیقی خود را ایفاء کند، باید افکار و آراء برای پذیرفتن امام عادل و دادگستر بیدار گشته، مهیا گردد و گرنه ظهور و قیام آن حضرت اثرات فراوان خود را نخواهد بخشید.

اگر مردم در غفلت و بیخبری بسر برند و ارزش و نقش ظهور رهبر نجات‌دهنده از ستمها را درک نکنند قیام امام غائب چه فایده‌ای برای آنان خواهد داشت بقول معروف باید تقاضا و خواست راستین در اکثر مردم روی زمین پیدا گردد و همه با نهایت عشق و علاقه از عمق جان ظهور و حضورش را از خدا بخواهند و با آغوش باز حکومت عدل او را بپذیرند و گرنه عرضه کردن وجود مقدس آن پیشوای برحق بدون خواست و تقاضای درست، منطقی نخواهد بود، زیرا تا مردم نقش قیام شکوهمندش را درک نکنند و

فوائد فراوان حضور و ظهورش را در نیابند، امام بطور غائب و پنهان بسر می برد.

بعبارت بهتر «قانون عرضه و تقاضا حکم می کند که بهمان نسبت که تقاضا موجود است عرضه نیز بر همان پایه باشد چون در غیر این صورت نظام زندگی بهم می خورد و تعادل از میان می رود و در نتیجه آشفتگی پدید می آید... جالب اینجاست که در بسیاری از روایات اسلامی از انتظار فرج آمادگی مردم برای ظهور امام زمان سخن بمیان آمده و از آنانکه پیوسته در انتظار آمدن آن حضرت هستند ستایش قابل توجهی بعمل آمده است، موضوع انتظار فرج امام زمان چیزی جز همان تقاضای عمومی برای عرضه داشتن آن وجود مقدس نیست»^۱

بدیهی است همیشه کالا و متاعی ارزش و قیمت دارد که عده ای مشتری و خواهان او باشند و صاحب متاع آنرا به علاقمندان عرضه کند، هم اکنون در اکثر مردم دنیا میل و عشق صادقی نیست که با تمام وجود خواهان آن امام عزیزالوجود باشند لذا متوجه قیام و ظهور سعادت آفرین و روح پرورش نیستند بقول مرحوم خواجه نصیر «عَدَمُهُ مِنَّا» یعنی علت غیبت امام علیه السلام غفلت و کوتاهی خود ماست.

اما زمانی که خواهش و میل فراوان در انسانها پیدا شود و تقاضا و خواست راستین در عرضه کردن وجود ارزنده امام غایب در آنان بوجود آید خداوند متعال آن بزرگوار را ظاهر خواهد نمود و وجود مقدسش را به علاقمندان و تقاضاکنندگان عرضه خواهد فرمود،

۱ - مکتب اسلام سال نهم شماره ۶

پس تا جهان و مردم آن برای قیام و حکومت الهی آن بزرگوار آماده نگردند و با عشق و علاقه فراوان وجود پرفیض و پررحمت او را خواستار نشوند همچنان در پس پرده غیبت خواهد بود و دور از نظرها زندگی خواهد فرمود. نتیجه آنکه یکی از علت‌های غیبت امام غائب علیه السلام آماده نبودن جهان و مردم آن برای ظهور و قیام می باشد.

وظیفه ما:

ما وظیفه داریم که با اصلاح خود و دیگران اسباب ظهور آن حضرت را فراهم کنیم و شب و روز چون چراغی بی‌فروزم و راه تاریک دیگران را روشن کرده در نتیجه راه قیام امام عصر را هموار کنیم و از خدای قادر بخواهیم که ما را در این راه مقدس توفیق داده بر سختیها و مشکلات ایام غیبت پیروز فرماید.

همانطور که امام صادق علیه السلام فرمود، در مدت غیبت امتحان می شویم و با دشواریها و مصائب فراوان مواجه می گردیم تا مس وجود ما در سایه انتظار راستین امام غائب و عامل نیرومند تقوی و پرهیزگاری و عشق و شوق به ملاقات آن بزرگوار به طلا تبدیل گردد و از آلودگیها و غبارها پاک شود.

وظیفه ماست که در این راه مقدس ثابت قدم باشیم و چون کوه استوار بمانیم و استقامت و بردباری داشته باشیم که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«کسیکه بردینش ثابت بماند و قلب او به سبب طولانی بودن غیبت امامش بتزلزل و تردید نیفتد در روز قیامت با من و در رتبه و

درجه ام باشد»^۱

هم چنین امام حسین علیه السلام درباره غیبت امام زمان و ثابتین بر دین فرمود:

«برایش غیبتی است که گروهی در آن تردید می‌کنند و گمراه می‌شوند و دسته دیگر بر دین و ایمان خود ثابت می‌مانند اینان اذیت و آزار می‌شوند و بآنها گفته می‌شود وعده کسی خواهد بود اگر راست می‌گوئید، هر آینه کسیکه در زمان غیبت امام عصر بر اذیت و نسبت داده شدن به دروغ صابر و ثابت باشد همانند سرباز مجاهدی در رکاب رسول اکرم (با دشمنان) خواهد بود.»^۲

وظیفه ماست سختیهای زمان غیبت را تحمل کنیم و با دشواریها بسازیم و لحظه‌ای از تبلیغ حقایق دین و شناساندن امام عصر علیه السلام غافل نمانیم همانگونه که سربازان امیرالمؤمنین امثال حُجْر بن عدی و مالک اشتر و میشم تمار در راه دین و خدمت به امامشان فداکاریها کردند و از خود گذشتگی‌ها نشان دادند و چون یاران خود باخته سرور آزادگان امام حسین که تمام هستی و وجودشان را در پای درخت دین و پیشوایشان نثار کردند.

ما نیز در خدمتگزاری بامام غائب حضرت حجة بن الحسن بکوشیم و حق رسول اکرم و پیشوایان بزرگوار را درباره آن حضرت

۱ - کمال الدین ص ۳۰۳ «... أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَقْسُ

قَلْبُهُ لِيُطَوِّقَ أَمَدَ غَيْبَةِ أَمَامِهِ فَهُوَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ...»

۲ - کمال الدین ص ۳۱۷ «لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ

وَيُقَالُ لَهُمْ، مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، أَمَا أَنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ

عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَثَلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)»

تجلیل نمائیم و ثبات عزم و فداکاری و بذل وقت و مال را در این راه الهی شعار خویش قرار دهیم تا جهان و محیط را برای تشریف فرمائی و ظهورش هر چه زودتر آماده کرده افکار انسانها را به آستان مقدسش جلب کنیم که بلطف پروردگار پرده غیبت کنار رفته و جمال نورانی آفتاب مهدوی بجهانیان نمایان شده شب دَیْجور و ظلمانی انسانها به صبح نورانی و روز تابناک و درخشان مبدل گشته شام فراق و هجران به سپیده وصال و ملاقات تبدیل شود.^۱

وقت آن است که بخود آئیم و وظیفه و رسالت خویش را در یابیم، آلودگیها براندازیم و خوبیها و درستیهها پیا سازیم گمگشتگان از راه اسلام و مکتب انتظار را هدایت کنیم و بتعداد یاوران دین و ناصران امام عصر بیافزائیم و با سعی فراوان و خستگی ناپذیر محیط را آماده کرده دگر انسانها را اصلاح نمائیم تا قیام و ظهور آن بزرگوار نزدیک شده زمین به نور الهی روشن گردد و صلح و صفا و وحدت جانشین جور و ستم و افتراق شده بلبلان گلزار توحید و اسلام بر شاخسارهای درختان آن نغمه های روح پرور و دل انگیز توحید و عدالت سر دهند و بندگان صالح و شایسته خدا وارث و حاکم زمین شوند.

به شاخه گل سرخ بلبل نشسته

به یا صاحب العصر خوشحال و خندان

۱ — فداکاریهای فوق العاده ملت شهیدپرور ایران، تاریخ صدر اسلام را زنده کرده است.

رود شام ظلمانی و روز تیره

رسد صبح موعود آن شمس تابان

بنا بفرموده قرآن کریم زمانی بهترین امتهما و برترین گروههای

مردم هستیم که امر بمعروف و نهی از زشتی و منکر کنیم^۱ و در

غیر این صورت وظیفه و رسالت دینی خود را انجام نداده ایم. باید

دانست که هیچ معروفی بالاتر از شناختن و شناساندن امام عصر

علیه السلام بدیگران در عصر غیبت نیست و هیچ منکری هم

زشت تر و قبیح تر از مسلکهای ساختگی و مدعیان دروغگونخواهد

بود، وظیفه ماست که مردم را از خطر و زیان مرامهای جعلی و

استعماری بیآگاهانیم و آنان را به امام زمان علیه السلام و

وظیفه ای که نسبت بآن حضرت دارند آشنا سازیم تا تعهد و دین

خطیر خود را ایفاء کرده باشیم.

مدعیان زمان غیبت:

در دوران غیبت امام زمان علیه السلام عده ای بنام باب یا

پیامبر جدید پیدا شده خود را بدروغ از طرف خداوند رهبر و رهنمای

مردم دانسته موجب گمراهی و ضلالت گروهی از افراد نادان و

بی اطلاع گشتند.

این عده شهرت طلب که مدعیان کاذبی بودند از فرصت

استفاده کرده بکمک و دستیاری اجانب^۲ بنام هدایت انسانها قیام

۱ - كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ

الْمُنْكَرِ... از سوره آل عمران آیه ۱۱۰.

۲ - بنوشته هائی نظیر پرنس دالگورکی و مزدوران استعمار در لباس مذهب

مراجعه فرمائید.

کرده ندای پیشوائی بلند نمودند و مشکلات بسیاری برای جامعه اسلامی بوجود آوردند.

چنانچه در صفحات پیشتر ملاحظه فرمودید در زمان غیبت کبری کسی نمی تواند ادعای نیابت خصوصی امام عصر علیه السلام را نموده یا خود را امام و پیامبر جدید بداند و اگر شخصی خویشتن را نایب و باب مخصوص امام زمان معرفی کند مسلم دروغ گفته است و هم چنین اگر دیگری خود را پیامبر بعد از اسلام بداند بطور حتم از جانب خدا نبوده، با ادله فراوان دروغ و کذب او ثابت می شود.

با اینکه خاتمیت رسول اکرم (ص)^۱ ثابت و محقق بوده و قائمیت امام دوازدهم^۲ حضرت حجة بن الحسن روشنتر از آفتاب می باشد عده ای در عصر غیبت پیدا شده خود را باب و پیامبر دانسته مسلک جدیدی را به پندار نادرست خویش تأسیس کرده اند که استعماری بودن آن حتمی می باشد.

فائده و نقش امام غائب:

چون وجود امام و حجت برای جهان و موجوداتش لازم است و همیشه در روی زمین و میان انسانها باید یک سفیر از جانب حق و یک مربی برجسته الهی وجود داشته تا فیض و برکت وجودش بلطف خداوند موجب ادامه حیات و زندگی زندگان باشد لذا آن امام و حجت اگر غائب هم بوده باشد تسلط معنوی و نفوذ باطنی در

۱ — بکتاب خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن مراجعه کنید.

۲ — بنوشته های قسمت اول مراجعه کنید.

جهان هستی با مرپروردگار متعال خواهد داشت زیرا «وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنانکه وظیفه راهنمایی صورت مردم را بعهدہ دارد همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را بعهدہ دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام در این باب تأثیر ندارد و امام از راه باطن به نفوس مردم اشراف و اتصال دارد اگر چه از چشم جسمانی ایشان مستور است و وجودش پیوسته لازم است اگر چه موقع ظهور و اصلاح جهانیش تا کنون نرسیده است»^۱. وجود امام بطور کلی در جهان هستی همانند قلب^۲ و روح برای انسانهاست که بدن و جسم با داشتن اعضاء و جوارح از قلب بی نیاز نخواهد بود چون همه اعضوها با ارتباط و اتصال منظمآً بکار خود مشغول بوده تحت نظارتش وظیفه‌های مخصوص خود را انجام می‌دهند. اگر امام و حجت هم در میان مردم نباشد ارتباط معنوی انسان با خدا و خالقش گسسته خواهد شد و نور حیات در جامعه انسانی به خاموشی خواهد گرائید و اگر یک لحظه پیوند انسانها از آن هسته مرکزی قطع شود همگی محکوم به فنا و سقوط در دره هلاکت می‌باشند و تعبیر پیشوایان دین به همین معنی ناظر است آنجا که می‌فرماید:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ.^۳

۱ - شیعه در اسلام تألیف استاد علامه طباطبائی ص ۱۵۲

۲ - منظور از قلب و روح مرکز عواطف و احساسات و دریافت‌هاست نه عضو مخصوص طرف چپ سینه

۳ - کتاب کافی ج ۱ ص ۲۵۲ و کتاب او خواهد آمد ص ۳۰

یعنی اگر زمین بدون امام بماند فرورود.

در قرآن شریف وجود امام زمان علیه السلام به آب گوارا تشبیه شده که مورد نیاز شدید همه موجودات است آنجا که خداوند می فرماید: «اگر آب در میانتان نباشد یا فرورود، کیست که آب گوارا در اختیارتان بگذارد»^۱ امام هفتم حضرت کاظم علیه السلام این آیه را درباره امام غائب تأویل فرمودند.^۲

می دانیم که اگر آب نباشد زندگی و حیات برای هیچ موجودی ممکن نیست بدیهی است که آب آنهم زلال و گوارا موجب بقاء همه موجودات و نشاط و سرسبزی آنها خواهد بود و بدون آن بوستان زندگی صفا و طراوت نخواهد داشت.

وجود امام و حجت نیز برای ادامه حیات و بقاء مخلوقات خاصه انسانها ضروری و لازم است و اگر او نباشد دگرگونی در زمین پیدا می شود چنانچه امام سجاد فرمود: «وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِثْلًا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»^۳ یعنی اگر از ما کسی در روی زمین نباشد، هر آینه زمین اهلش را فرو می برد. پس همانطور که آب برای زندگان مفید و لازم است امام نیز در زندگی انسانها نقش فراوانی دارد. همچنین در گذشته ملاحظه کردیم که وجود گرامی امام غائب بافتاب پشت ابر مانند و تشبیه شده که در زمان غیبت نور وجودش از لابلای آن بهمگان رسیده زندگی انسانها را روشن نموده طراوت و صفای دیگری بدان می دهد و بوستان و گلزار

۱ - سوره الملک آیه ۳۰

۲ - کمال الدین ص ۳۶۰

۳ - مکیال المکارم ص ۵۶

معنویت را به شکفتن گلهای فضیلت و انسانیت معطر و عنبرسا
می نماید. یا به بیان رساتر:

«اگر خورشید فروزان جهان انسانیت قائم آل محمد مدتی در
پشت پرده غیب نهان شود و آن دست نیرومند الهی در آستین غیبت
فرو رود و دست انسانها از دامن پرفیضش کوتاه گردد یک فیض
بسیار عظیمش همواره شامل حال جهانیان می باشد و آن اینکه در
پرتو وجود مقدسش جهان هستی به بقای خود ادامه می دهد و زمین
ساکنان خود را در کامش فرو نمی برد و آسمان بر سر انسانها فرو
نمی ریزد و خداوند متعال به برکت وجود او رشته فیوضاتش را از
انسانها قطع نمی کند پس در زمان غیبت نیز جهان از وجود مقدس
امام زمان برخوردار است و در پرتو وجودش دیار نیستی را
نمی پیماید و به زندگی خود ادامه می دهد و از اینجا نکته تشبیه
امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشیدی که در پشت ابر
پنهان باشد روشن می گردد.»^۱

فایده دیگر وجود امام غائب این است که مردان شایسته و
صالح و پرهیزگار را امیدوار و دلخوش بزندگی خود کرده سبب
نشاط معنوی و روحانیت ویژه ای در ادامه حیات آنان می گردد
همین که مردان راه حق و حقیقت می دانند پناهگاهی بنام امام
غائب دارند و فریادرسی چون امام دوازدهم علیه السلام برای آنان
وجود دارد مأیوس و نومید نمی گردند و به برکت وجود گرامیش
مسرور و خوشحالند بقول یکی از فضلا: «اصل وجود امام موجب

۱ - از کتاب او خواهد آمد ص ۳۱

دلگرمی و قوت روح بندگان خدا... و کسانی که رهرو راه هدایت هستند می باشد و بعبارت دیگری نقطه اتکاء برای رهروان و سالکان راه خداست که اگرچه خدا نقطه اتکاء همه است و همه بخداوند توکل و اعتماد دارند ولی وجود پیغمبر در جنگها و غزوات باعث یک دلگرمی و قوت قلب خاص برای مجاهدین اسلام بود و با نبودن ایشان تفاوت بسیار داشت که حتی شخصیتی مثل امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر وقت سختی و فشار بر ما حمله ور می شد برسول خدا پناه می بردیم.»^۲ خود این موضوع که امام حیّ و زنده ای داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است موجب قوت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط یأس و نومیدی بر سالکان و مجاهدان است و همواره از او مدد می گیرند و همت می طلبند و این مسئله از نظر علم النفس (روانشناسی) بسیار اساسی و مهم است.^۳

آثار غیبت

شیعه باید در زمان غیبت امام عصر پیرو حقیقی آن بزرگوار بوده آنچنان بمرحله ایمان و یقین برسد که برایش غیبت امام همانند حضورش باشد چنانچه امام سجاد علیه السلام فرمود «هر آینه مردم زمان غیبتش که قائل به امامت او و منتظر ظهورش باشند افضل و

۲ - كُنَّا إِذَا إِخْمَرَ الْبَأْسُ إِتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) نَهَجُ الْبَلَاغَةِ فَيُضِجُ ۶ ص

۱۲۰۰

۳ - نوید امن و امان ص ۱۹۷ - ۱۹۸

برتر از مردم هر زمانی هستند چون خداوند متعال بآنان عقل و فهم و معرفتی عطا کرده که غیبت به نزد آنان همانند مشاهده خواهد بود.»^۱

آنکه شیعه و منتظر است و بظهور و قیام امام غائب معتقد، وظیفه دارد بتمام معنی رنگ معنویت و ایمان بگیرد و مظهري از خلوص و جوش و تحرک و جنبش باشد و نمونه ای از صفات و کمالات حجت مستور و پیشوای پنهانش گردد.

شیعه واقعی نباید بخاطر غیبت امام سستی و مسامحه کند و وظیفه و مسئولیت و رسالت خویش را در عصر غیبت فراموش نماید تا زمینه برای پیشرفت و کوشش دشمنان آن بزرگوار مساعد گردد و راه تبلیغ برای منکران وجود مقدس آن حضرت باز شود و باید این ندای قرآن کریم را در نظر داشته باشد که می فرماید «سست مشوید و محزون نباشید که شما برتر و والا مقام ترید آنگاه که مؤمن باشید.»^۲

شیعه وظیفه دارد در این عصر، شب و روز بخدمت گذاری آن بزرگوار قیام نموده به پیروی از آستانش افتخار کند و تنها او را امام و پیشوای واجب الاطاعة بداند تا به سعادت بزرگ نائل گردد چنانچه پیامبر عظیم الشأن فرمود: خوشا بحال آنکسیکه قائم اهل بیت را درک کرده در زمان غیبت پیش از قیام امامش پیرو و مطیع

۱ - کمال الدین ص ۳۲۰ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ.

۲ - وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ آل عمران ۱۳۹

او باشد و دوستانش را دوست داشته دشمنانش را دشمن بدارد این چنین کسی از رفیقان و دوستان و عزیزترین امت من در روز قیامت بر من خواهد بود.»^۱

شیعه باید در زمان غیبت ثابت قدم بوده چون کوه در برابر مشکلات و سختیها مقاومت کند و در سایه انتظار امام زمان، خود را پرورش داده و باصلاح و پاک کردن نفس و روح خود بپردازد و سوز و گداز جهت دوری و هجران پیشوای محبوب عزیز خود پیدا کند که اگر غیبت نمی بود کجا این سوز و گداز و شعله فراق در درون دل و قلب شیعه مهجور پیدا می شد و او را چون مجنون شب و روز عاشق بی قرار امام گرامیش می نمود.

اگر دوران غیبت و فراق نمی بود کجا شیفتگان کوی مهدی منتظر و عاشقان فداکار پیشگاه مقدسش تربیت می شدند و در میان شعله و تب فراق می سوختند و درس عشق و ایثار جان در آستان شریفش می آموختند. این ناله های جان سوز و شوقهای خالصانه برای زیارت امام غائب و اشکهای پاک و بی ریا در فراق و هجران آن حضرت در زمان غیبت پیدا شده و موجب پرورش روح و جان شیعه منتظر گشته است.

آری شیعه باید در این عصر بکوشد و بخصوص هر چه بیشتر محیط را برای قیام شکوهمند امام عصر آماده کند و با شوق و ذوق فراوان خواهان زیارت و ملاقات آن محبوب الهی باشد و با این نغمه فراق، آتش اشتیاق درونی را مشتعل تر سازد:

۱- طوبیٰ لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِيهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. منتخب الاثر ص ۵۱۱

ای یوسف گم گشته ز یعقوبش
وی بی تو جهان چو کلبه آحزان
از سوز و فراق درد هجرانت
عالم همه رونهاده در نقصان
افسرده به راغها گل و لاله
پژمرده بباغ سنبل و ریحان
نرگس نگران و منتظر مانده
خون کرده بدل شقایق نُعمان
ای قبله خلق و کعبه مقصود
وی از تو دل شکسته را جبران
از فیض حضور اگر چه محروم
مهجورم از آن جمال نور افشان
هرگز نکنم بدل فراموشت
از یاد تومی نباشدم نسیان
دستم نرسد به دامن وصلت
تا شکوه کنم ز درد بی درمان
سازم بفراق و صبر بنمایم
بفشرده بروی هم لب و دندان
پروانه صفت چراغ می جویم
تا گردم و گردمش بلا گردان
هر صبح و مساء بشوق دیدارت
گویم بهزار ناله و افغان

کی شمس جمال حق شود طالع

تا شب پره‌ها بیفتد از جولان^۱
شیعه در سایه ثبات و پایداری و استقامت وظیفه دارد امام
غائبش را یاری و نصرت کند و شب و روز باین کار مقدس
سرافراز و سربلند باشد و از پیشگاه مقدس آن حضرت استمداد
بنماید تا هر چه بیشتر توفیق حاصل کرده موانع را برطرف کند.
از آثار و علائم شیعه منتظر غیبت امام عصر علیه السلام
استقامت و پایداری در برابر مشکلات و موانع و سختیهاست که
باید بر آنها فائق و پیروز شده وظیفه و رسالت خطیرش را انجام
دهد تا خداوند متعال اجر و پاداش صابران که فراوان خواهد بود باو
عطا کند.

چنانچه امام سجاد علیه السلام فرمود: «کسیکه در زمان غیبت
قائم ما بر دوستی و اعتقاد بولایت و امامت ما ثابت قدم بماند
خداوند متعال باو پاداش و اجر هزار شهید چون شهیدان بدر و اُحُد
عطا خواهد فرمود.»^۲

امام هفتم حضرت کاظم علیه السلام فرمود: «زهی بسعادت
شیعیان ما که برشته دوستی ما در زمان غیبت قائم ما چنگ زده‌اند
آنانکه بر مؤالات و دوستی ما ثابت قدم بوده از دشمنان ما برائت
می جویند، اینان از ما هستند و ما از آنها می باشیم که راضی
شدند ما پیشوایشان باشیم و ما نیز راضی گشتیم که آنان پیروان ما

۱ - از فکرت (کتاب نغمه‌های پیروزی ص ۱۹۷)

۲ - مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مُؤَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ
شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ مِنْتَخِبِ الْأَثَرِ ص ۵۱۳

باشند، خوشا بحالشان و زهی بسعدت آنها سوگند بخدا که ایشان
در روز قیامت با ما و در ربه ما می باشند.»^۱

عذر تقصیر به پیشگاه امام زمان (عج)

ای مهر تابان من روسیاهم
ای بهتر از جان من روسیاهم
از روی احسان بر من بیفروز
ای شمس هستی، همچون گیاهم
ای ماه رخشان، نوری به من ده
افتان و خیزان در راه و چاهم
ای ابر پر فیض بر من بباران
باران رحمت چون پر گناهم
پیش تو مولا شرمنده هستم
اما اماما من عذر خواهم
در بوستان پر از ریاحین
چون بوته خس زار و تباهم
ای رهنمای راه سعادت
حیران چو، گردم، آور به راهم

۱ - «... طوبیٰ لشیعتنا الْمُتَمَسِّکِینَ بِحَبْلِنا فی غَیْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِینَ عَلٰی
مُؤَلَّاتِنَا وَ الْبَرَانَةِ مِنْ اَعْدَائِنَا اُولٰئِکَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوْا بِنا اِئِمَّةً وَ رَضِیْنَا
بِهِمْ شِیْعَةً فَطُوبٰی لَهُمْ ثُمَّ طُوبٰی لَهُمْ وَ اللّٰهِ مَعَنَا فی دَرَجَاتِنَا یَوْمَ الْقِیَمَةِ»
از منتخب الاثر ص ۲۱۹

ای قلب عالم سرچشمه رحم
من دل شکسته بنمانگام
هم ذره هستم در آستان
بل کمتر از آن بی قدر و جاهم
آنّت کریم یا صاحب الامر
طردم مفرما چون بی پناهم
به فضل و لطف پروردگار متعال این مجموعه را که یکی از
آثار پدر عزیزم می باشد در عصر روز جمعه ۱۳۶۹/۴/۸ مطابق
ششم ذیحجه الحرام ۱۴۱۰ قمری با خط خود نوشته، از پا کنویس
آن فراغت یافتم خدای مهربان با من و کرمش از این جانب
بپذیرد.

حمیدرضا کامران

در ارادت به ساحت قدس ولی الله الاعظم مولانا
صاحب الامر سلام الله عليه

آرزو باشد مرا یابن الحسن
تا که بینم رویت ای ماه زمن
مایه فخر و نجات و برتری
دوستی توست یابن العسکری
تو چراغ روشن راه حیات
بی تو ما را زندگی باشد ممت
تو طبیب درد روح و جسم ما
دردمندیم از تو خواهان دوا
این دوا باشد لقای روی تو
دیدن آن صورت نیکوی تو
گرفتد بر صورت تو چشم ما
عقده دل باز می گردد مها
ما همه مشتاق دیدار توایم
عاشق رخسار و گفتار توایم
نام تو یابن الحسن هر صبح و شام
بر زبان ما بود جاری مدام

یاد تو ای جان بود درمان ما
 ترجمان عشقها و سوزها
 هست هجران تو بر ما ناگوار
 یابن زهرا تا کی آخر انتظار
 از فراق روی تو در التهاب
 این فراق از ما گرفته صبر و تاب
 تا کی آخر انتظار آید بسر
 اشتیاق دیدنت باشد به سر
 اشتیاقست اشتیاقست اشتیاق
 یابن زهرا دیدنت، تا کی فراق
 شمع جان من ز حبت روشن است
 از فروغش اندرونم گلشن است
 ای خدا بنما فروغش بیشتر
 بر ولای حجت ثانی عشر
 هم چو مجنون شائق روی توام
 خاکروب کوچه و کوی توام
 خاک کویت سرمه چشم من است
 هم دوی روح، هم جسم و تن است
 بر مژه گیرم غبار کوی تو
 زین طریق آیم اما سوی تو
 تا که چشمم بر رخ ماهت فتد
 یکسره غم از دلم بیرون رود

خاکروبی افتخار من بود
کامرانم گر شعار من بود^۱